

(سلسله مقالات بخش سوم)

**قاعده جدید تفسیر به نفع خواننده در ماده (۲) و بند (۱۰) ماده ۸۴ قانون آ.د.م (۱۳۷۹)  
آثار دوره تحولی قوه قضاییه از منظر جرم شناسی اسلامی در حوزه قضایی استان های  
تهران و ایلام**

سیدمحمدرضا موسوی فرد

پژوهشگر، عضو هیئت علمی دانشگاه، واضح جرم شناسی اسلامی گرایش جدید حقوق کیفری

[mousavifard136394@gmail.com](mailto:mousavifard136394@gmail.com)

ارسال: اسفند ۹۹ پذیرش: فروردین ۱۴۰۰

**چکیده**

به نظر می رسد قاعده علم قاضی و استقلال قاضی (بی حد و حصر در تفسیر) عملاً با توجه به رویه های موجود در محاکم نه تنها ما را به سوی تحولی ملموس در قوه قضاییه رهنمون نمی سازد بلکه به نظر نگارنده هزینه های فراوانی را در بلند مدت به بار می آورد. عامه مردم را در بلندمدت به موفقیت شعارهای قوه قضاییه مأیوس می سازد. به عنوان مثال در یک پرونده با موضوع واحد و مدارک و مستندات واحد، اصحاب دعوای واحد، رویکردهای سلیقه ای را مشاهده می کنیم که در این مقاله در حد بضاعت علمی به تصویر کشیده شده است، اگر نگوئیم فساد جزئی در دستگاه رخنه کرده، باید به قاعده ای تحت عنوان "تفسیر نفع به خواننده حسب مورد" با توجه به متغیرهایی همانند "نفوذ کلام خواننده" و... اشاره کرد. برخی اقدامات در رویه معمول گهگاه فاقد وجاهت شرعی، عقلایی، منطقی و فراقانونی و... می باشند. در این مقاله درصدد یافتن پاسخی برای این سؤال با رویکرد توصیفی تحلیلی هستیم؛ که آیا قاضی در امور حقوقی می تواند هرگونه بخواهد تفسیر نماید و حکم قضیه را صادر کند یا اینکه حق تفسیر بر اساس علم خود منطبق بر ادله و محصور در ادله را داراست؟

کلمات کلیدی: تحول قوه قضاییه، نفوذ کلامی، جرم شناسی اسلامی، تفسیر به نفع خواننده.

**۱- مقدمه**

جرم شناسی اسلامی به منوال گذشته که بارها عرض شد، در حوزه حقوق علم، رویکردهای متعصبانه و جاهلانه نیست، بلکه به عنوان آینه ای، سعی دارد رویه های موجود را در حوزه حقوقی به نقد کشیده تا فاصله آن را با معیارهای مندرج در منابع دینی مشخص کند. این همان مطلوب حکمرانی اسلامی به قول ریاست قوه قضاییه است که باید در تراز انقلاب اسلامی باشد. ولی متأسفانه وضعیت و ساختار موجود در رویه خلاف مسیر ترسیمی را نشان می دهد. سؤالی که در این مقاله در پی آن هستیم این است که آیا قاضی در امور حقوقی می تواند هرگونه که تفسیر نماید و حکم قضیه را صادر کند یا اینکه حق تفسیر بر اساس علم خود محصور در ادله را

داراست؟ به تناوب در طول مقاله با بررسی برخی از پرونده‌های واقعی به صراحت می‌تواند به پاسخی رسید که در این خصوص قضاوت را به مخاطب می‌سپاریم. این امر در راستای لیبیک به دعوت ریاست محترم قوه قضائیه است که در دعوت رسانه‌ای خود تأکید داشتند: نیل به «قوه قضائیه تراز انقلاب اسلامی» در گام دوم، بدون مشارکت و نقش آفرینی مردم، نخبگان و دلسوزان انقلاب ممکن نیست<sup>۱</sup>. فلذا در راستای تحقق این شعار و مضافاً دیگر بحث مطروحه ایشان که گفتند: بر اساس گزارش دادستان انتظامی قضات، ما یک درصد در بین مجموعه قضایی تخلف داریم که این یک درصد زیاد است<sup>۲</sup>. در راستای آسیب‌شناسی دوره تحول در این مقاله طبق روال مقالات قبلی با دیدی توصیفی تحلیلی در راستای اصلاح ساختار موجود (۳) پرونده‌های کاملاً تحولی (تطبیق آن با استانداردهای جرم‌شناسی اسلامی در منابع دینی و قانونی) در حوزه قضائیه استان‌های تهران و ایلام مورد بحث و بررسی علمی قرار خواهد گرفت<sup>۳</sup>.

## ۲- قاضی و قضاوت از منظر آموزه‌های جرم‌شناسی اسلامی

قضا ترکیبی است از اعمال ولایت شرعی در طریق حکم بین مردم برای رفع خصومات است (مقتدایی؛ ۱۳۷۹، ص ۹) هدف اصلی از قضاوت اسلامی، گسترش عدل، احقاق حق و رفع تجاوز است و به تعبیر روایات احیاء و تزکیه ارض است. قضاوت بالاصالَه و ذاتاً حق خداوند است و اصل اولی نفوذ حکم و حکومت «الله» است و هیچکس بر دیگری تسلط و حق حکم ندارد مگر به اذن خداوند متعال و نفوذ حکم و حکومت انبیاء و اوصیاء با اذن حق تعالی و از مواهب اوست چنانکه قضات جامع الشرایط نیز نفوذ حکمشان با فرمان و اذن انبیاء و اوصیاء است. زیرا قضاوت به نحوی ولایت بر جان، مال و عرض افراد است. (پیشین، ص ۱۱) از این روست که امیرالمؤمنین (ع) به شریح قاضی می‌فرماید: این مقام جایگاه انبیاست و مسندی است که بر آن تکیه نمی‌زند مگر پیغمبر یا وصی او، البته مأذون و منصوب از طرف آن‌ها می‌گردد و اگر پیغمبر و وصی و مأذون از طرف آن‌ها نشد، شقی، غاصب و حاکم جور و طاغوت است. (حر عاملی، باب سوم، حدیث دوم و سوم) در ادامه با احادیث دیگری بحث را دنبال می‌کنیم امام صادق (ع) می‌فرماید: «اتقوا الحُکُومَةَ اِنَّمَا هِيَ لِلْاِمَامِ الْعَالِمِ بِالْقَضَاءِ الْعَادِلِ فِي الْمُسْلِمِينَ كَنَبِيِّ اَوْ وَصِيِّ» (حر عاملی، ج ۱۸، ص ۷) از حکومت و داوری بپرهیزید: زیرا حکومت برای پیشوای دانا و آشنا به امور قضایی و عادل میان مسلمان‌ها مثل پیغمبر یا وصی پیغمبر می‌باشد. در یک حدیث دیگر می‌فرماید: قاضیان چهار گروه‌اند که سه گروه از آنان اهل آتش و دوزخ‌اند و یک گروه از آنان اهل بهشت. اما سه گروه که اهل دوزخ‌اند عبارت‌اند از:

- مردی که قضاوت ظالمانه نموده درحالی که می‌دانسته؛
- مردی که قضاوت ظالمانه نموده درحالی که نمی‌دانسته؛
- مردی که قضاوت به‌حق نموده ولی عالم به امور قضایی نبوده؛
- اما مردی که قضاوت به‌حق نموده درحالی که عالم به امور قضایی بوده پس او در بهشت است. (شیخ کلینی، ج ۷، ص ۴۰۷) پس قضاوت از دید ائمه علیهم‌السلام منصب خطیری است که دارای مشکلات زیادی است چرا که دائماً در معرض امتحانات سخت و وسوسه‌انگیز قرار دارد، ولی این را نیز باید گفت که اگر به دست یک قاضی احقاق حقی صورت گیرد و رفع ظلمی صورت گیرد، از اجر و پاداش ویژه‌ای برخوردار خواهد بود. حضرت علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: دست خدا بالای سر قاضی است و او در زیر سایه رحمت الهی نشسته، اما اگر از حق تجاوز کند خداوند او را به خودش وا می‌گذارد. (شیخ کلینی، ۱۳۶۵، ص ۱۷۴) اما درباره شرایط قاضی در اسلام که از خطیرترین مسئولیت‌ها شناخته شده، است باید گفت که در شریعت نبوی قبول منصب و مسئولیتی

<sup>۱</sup> به نقل از سید ابراهیم رئیسی ریاست محترم قوه قضائیه، فراخوان در جهت مشارکت مردم و نخبگان در تحولات دستگاه قضایی منتشر شده در ۱۳۹۸/۳/۲۵ با کد خبر: ۲۷۶۲۵ قابل دسترس: <https://www.didarnews.ir/fa/news/27625>

<sup>۲</sup> نگاه کنید به سخنرانی ریاست قوه قضائیه: [www.irna.ir/news/83835223](http://www.irna.ir/news/83835223)

<sup>۳</sup> نگاه کنید به بند پ ماده (۵) سند امنیت قضایی قوه قضائیه که آورده است: آراء دادگاه‌ها با هدف تحلیل و نقد صاحب‌نظران و متخصصان به‌صورت کامل ضمن حفظ حریم خصوصی اشخاص در دسترس عموم قرار می‌گیرد.

که درخور انسان نیست از بزرگ‌ترین گناهان شمرده شده، زیرا نبی مکرم اسلام می‌فرماید: کسی که امری از مسلمین را عهده‌دار می‌باشد درحالی که برتر از او در میان مردم هست به خدا و رسولش و به همه مسلمین خیانت کرده است. به همین خاطر منصب قضا که از اعظم مناصب، و در رابطه باجان، مال و آبروی مردم است با توجه به روایات در این باب باید به اهلش واگذار شود.<sup>۱</sup> (محمدی گیلانی؛ ۱۳۸۷؛ ص ۲۰) حضرت علی (ع) در فرمان خود به مالک اشتر برای انتخاب قاضی می‌فرماید: «... پس برای قضاوت و داوری بین مردم بهترین کسانی را انتخاب کن که:

- انبوه کارها بر او سخت نیاید و از عهده انجام آن‌ها برآید؛

- طرفین متخاصم در ستیزه و لجاج رأی خود را بر او تحمیل نکنند؛

- در صورت اشتباه، بر اشتباه خود اصرار نرزد و جانب حق را بگیرد؛

- طمع کار نباشد (زیرا طمع کاری مانع احقاق حق است)؛

- در قضاوت به اطلاعات سطحی اکتفا ننماید؛

- در موارد شبهه تا کشف حقیقت درنگ و تأمل نماید؛

- در صدور احکام متکی به دلایل قطعی باشد؛

- کمتر از همه از مراجعه دادخواهان به تنگ آید؛

- در کشف حقایق صبور باشد؛

- پس از روشن شدن موضوع، حکم قاطع صادر نماید؛

- تملق و چاپلوسی و حيله و خدعه او را به هر سو نکشانند» (شرح بر نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۱۰۱۰) سؤالی که اینجا پیش می‌آید بر اساس شاخص‌های ترسیم شده در منابع متعدد دینی کدام یک از معیارهای اسلامی ذیل در قضاوت‌های موجود دیده می‌شود.<sup>۲</sup>

### ۳- مختصر لزوم وفای به عهد در فقه و حقوق اسلامی

خداوند متعال در قرآن چندین بار بر لزوم پایبندی به عهد و پیمان و پاس داشتن قول و قرارها تأکید کرده است. از جمله در آیه‌ای وفاداری به هر پیمانی را از مؤمنان می‌خواهد و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌ها وفا کنید». (مانده: ۱) همچنین، خدا در قرآن مجید دستور می‌دهد تا به عهد و پیمان خود پیوسته وفادار باشیم و بدانیم که در برابر خدا مسئولیم. همه می‌فرماید: «وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ». به عهد الهی وفا کنید. این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده است تا متذکر شوید. (انعام: ۱۵۲) و نیز می‌فرماید: «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا». به پیمان‌های

<sup>۱</sup> از مهم‌ترین اهداف حکومت اسلامی برپا داشتن حق و احقاق حق صاحبان حقوق و دفع باطل و طرد باطلگرایان و در نهایت اجرای احکام و حدود الهی در مقام قضاوت و داوری است، که از آن به «عدالت قضایی» تعبیر می‌شود. این مقصد جز با وجود دستگاه قضایی مستقل، عدالت محور، مقتدر، قاطع و استوار که با کمال دقت و احتیاط و پرهیز از لغزش و انحراف ضامن اجرای مقررات الهی باشد، قابل تصور نیست. از این رو سیستم قضایی یک جامعه باید به گونه‌ای طراحی شود که مال، جان و حیثیت افراد آن در قوانین مدون و همچنین در شیوه‌های اجرایی آن رعایت شده باشد. بی‌تردید عدالت، در نظام قضایی اسلام برخاسته از آموزه‌های قرآن، روایات و سیره عملی معصومین (ع) خصوصاً حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) است که شالوده و شاکله نظام قضایی اسلام را تشکیل می‌دهد. در این راستا رویکرد امام خمینی (س) به شاخصه‌های عدالت قضایی با توجه به سیره عملی معصوم (ع) عصر حاضر لازم و ضروری است. جهت مطالعه بیشتر در این خصوص نگاه کنید به: موسوی بجنوردی، سیدمحمد و دیگران (۱۳۹۰)؛ شاخصه‌های عدالت قضایی از منظر امیرالمؤمنین علی (ع) با رویکردی برآرای امام خمینی (س)؛ پژوهشنامه متین امام خمینی و انقلاب اسلامی، دوره چهاردهم، شماره پنجاه و چهارم، شماره پیاپی پنجاه و چهارم، بهار، ص ۱۹

<sup>۲</sup> با نگاهی به سخنان رهبری انقلاب چنین در می‌یابیم: قضا در یک کشور، معیار سلامت آن کشور است. اگر دستگاه قضایی سالم بود، می‌توان نتیجه گرفت که وضع عمومی جامعه و کشور از جهت برخورداری از عدالت و دوری از تبعیض و ستم و اجحاف و تجاوز و این غصه‌های بزرگ بشری، سالم است. گزیده ای از سخنان رهبری در مورخ ۱۳۷۰/۴/۵ به مناسبت شهادت شهید بهشتی و هفته قوه قضائیه قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-45934content?id=>

خود وفادار باشید زیرا از پیمان‌ها سؤال خواهد شد. (اسراء: ۳۴) و می‌فرماید: «وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا؛ و هرگز پیمان الهی را به بهای کم مبادله نکنید». (نحل: ۹۵) پیمان الهی هم می‌تواند به معنای پیمان میان ما باخدای خود باشد و هم پیمان‌هایی که بر پایه ایمان به خدا با یکدیگر می‌بندیم. قرآن وفای به عهد از ویژگی‌های مؤمنان و شاخصه‌های ایمان می‌شمارد؛ «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»؛ آنان (مؤمنین) به امانت و عهد و پیمان خود وفادارند». (مؤمنون: ۸) قرآن کریم، زیان ناشی از پیمان‌شکنی را در حقیقت متوجه شخص پیمان‌شکن می‌داند و می‌فرماید: «فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ»؛ هر کس پیمان‌شکنی کند، در حقیقت به زیان خویش پیمان‌شکنی کرده است». (فتح، ۱۰) آسیب دیگر پیمان‌شکنی این است که موجب از بین رفتن اعتماد در جامعه و بی‌اعتمادی عمومی می‌شود. این در حالی است که احساس اعتماد متقابل، پشتوانه محکمی برای فعالیت‌های اجتماعی است. اگر وفای به عهد، از جامعه انسانی رخت بریند و پیمان‌ها یکی پس از دیگری شکسته شود، سرمایه بزرگ اعتماد عمومی به غارت خواهد رفت و جامعه به‌ظاهر متشکل، به اجزایی پراکنده تبدیل می‌شود. بنابراین، صرف‌نظر از دین، ما اگر فقط به عقل خود مراجعه کنیم، بازهم برای آنکه اعتماد میان مردم از میان نرود باید به عهد وفا کنیم<sup>۱</sup>. در تعریف دیگری از آمده است: موضوع تعهد هر چه باشد، اعم از تسلیم عین (معین، کلی در معین یا کلی در ذمه) یا منفعت، فعل یا ترک فعل، با انجام آن از سوی متعهد، وفای به عهد انجام می‌شود. (اکرمی، ۱۳۹۵، ص ۱)

#### ۴- مختصر لزوم پایبندی قراردادهای وفای به عهد در حقوق موضوعه

قراردادهای که بیانگر روابط حقوقی بین اشخاص می‌باشند، یکی از مهم‌ترین منابع تعهد به شمار می‌روند. جهت و هدف غایی قراردادهای، ایجاد حق و تکلیف برای طرفین قرارداد است. چنانچه این قراردادهای قوه الزام‌آور نداشته باشند یعنی هیچ قوه مانعی وجود نداشته باشد که خسارت زیان‌دیده از نقض قرارداد را حمایت کند، مدار زندگی افراد جامعه هر لحظه در معرض انهدام است<sup>۲</sup>. استواری در عهد و پیمان لازمه دادوستد است. جهت و هدف غایی قراردادهای، ایجاد حق و تکلیف برای طرفین قرارداد است. چنانچه این قراردادهای قوه الزام‌آور نداشته باشند مدار زندگی افراد جامعه هر لحظه در معرض ازهم‌پاشیدگی است. یکی از این قواعد که مربوط به قراردادهای می‌باشد، قاعده‌ای است که به آن اصل لزوم گفته می‌شود. منظور از لزوم قرارداد، غیرقابل انحلال بودن آن در اصل «جز در موارد استثنایی فسخ و اقاله و حکم قانون» و لزوم اجرای مفاد آن در برابر جواز قرارداد است که به معنی انحلال آن به اراده یا فوت یا حجر هر یک از طرفین است. به‌طور کلی در حقوق موضوعه ایران و نیز فقه امامیه و سایر سیستم‌های حقوقی، اصولاً هر قرارداد تشکیل یافته باید اجرا شود و هیچ‌یک از طرف‌های قرارداد نمی‌توانند شانه از زیر بار تعهدات ناشی از آن خالی کنند<sup>۳</sup>. مواد ۱۰ و ۲۱۹ ق.م. نیز که بیانگر اعتبار و لزوم تمامی قراردادهایی است که مخالف قانون نباشد، صرفاً جهت اعتبار و لزوم تمامی قراردادهایی است که شرایط صحت را واجد هستند. فلذا اصله‌اللزوم در جایی صرفاً جاری می‌شود که قرارداد تمامی ارکان و عناصر

<sup>۱</sup>. از نظر قرآن وفای به عهد و پیمان، از ملاک‌های ارزشی انسان است. وفای به عهد یکی از اساسی‌ترین شرایط زندگی دسته جمعی است و بدون آن هیچ گونه همکاری اجتماعی امکان‌پذیر نیست، زیرا لازمه‌ی زندگی اجتماعی، همکاری و اعتماد افراد جامعه به یکدیگر بوده و زمانی این امور به خوبی تحقق می‌یابد که مردم به وعده‌های خود عمل کنند. کسانی به وعده‌ها و تعهدات خود عمل می‌کنند که اهل تقوا بوده و عزم جدی در انجام تعهدات دینی داشته باشند. در قرآن کریم و روایات اسلامی، این امر فوق‌العاده اهمیت دارد. در این کتاب آسمانی آمده که انسان در برابر عهد و پیمان مسولیت دارد و پیمان‌مداری از ویژگی‌های مومنان است. مطالب این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و هدف از آن معرفی این فضیلت اخلاقی است که عموم مردم تا حدودی آن را به فراموشی سپرده‌اند. نگاه کنید به:

- محبی مقدم، فاطمه، ۱۳۹۹، ضرورت و آثار وفای به عهد در جامعه از دیدگاه اسلام، پنجمین کنفرانس ملی نقش مدیریت در چشم انداز ۱۴۰۴، رشت، <https://civilica.com/doc/1152448>

<sup>۲</sup>. در این خصوص توصیه می‌شود نگاه کنید به: مهدی امین، مهدی (۱۳۸۷)؛ اصل لزوم قراردادهای در فقه و قانون مدنی ایران؛ فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، شماره چهل‌چهارم و چهل و پنجم، ص ۱۱

<sup>۳</sup>. جهت مطالعه نگاه کنید به: صفوی، سیدنوید و دهقان، ناصر و سلیمیان، ابوالفضل، ۱۳۹۴، بررسی کاربرد اصل لزوم در حقوق موضوعه ایران، نخستین کنگره بین‌المللی جامع حقوق، <https://civilica.com/doc/502936>

صحت قرارداد را دربرداشته باشد؛ یعنی قبلاً اصله الصحه بر آن حکومت داشته باشند. بنابراین، جایی که صحت و اعتبار قرارداد محرز شد، ماده ۲۱۹ ق.م. و قاعده اصله اللزوم بر آن جاری می‌شود و آن قرارداد را لازم‌الاتباع می‌دانیم. البته مادامی که دلیل خاصی آن را از این قاعده مستثنا نکرده باشد<sup>۱</sup>. اگر عقدی واقع شد، اصل بر لزوم آن عقد است. یکی از تقسیم‌بندی‌های عقود تقسیم‌بندی آن به عقد لازم و عقد جایز است. منظور از اصل لزوم این است که اگر با هر عقدی مواجه شدیم، باید اصل را بر این قرار دهیم که این عقد لازم است. اصل بر لزوم عقد است، مگر اینکه خلاف آن اثبات شود؛ به این معنا که قانون‌گذار خود بگوید که این عقد جایز است. بر اساس ماده ۲۱۹ قانون مدنی، «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد، بین متعاملین و قائم‌مقام آن‌ها لازم‌الاتباع است؛ مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود.» همان‌گونه که از ماده فوق برمی‌آید، عقد لازم قابل فسخ است. یکی از راه‌های انحلال عقد لازم، اقاله آن و راه دوم به وسیله اعمال خیار است. نکته مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که طرفین عقد نه تنها نمی‌توانند عقد را به هم بزنند بلکه باید به عقد پایبند باشند و به تعهدات ناشی از عقد عمل کنند. اما این تعهدات تنها شامل تعهداتی نمی‌شود که در عقد تصریح شده است؛ بلکه شامل تعهداتی می‌شود که به حکم قانون یا به حکم عرف به وجود می‌آید. به این معنا که گاهی اوقات تعهدات ناشی از عقود صریحاً مورد توجه طرفین قرار نمی‌گیرد اما قانون یا عرف تعهدات دیگری را نیز در نظر می‌گیرد. بر اساس ماده ۲۲۰ قانون مدنی، «عقود نه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده است، ملزم می‌کند<sup>۲</sup>».

#### ۵- جایگاه علم و استقلال قاضی در امور حقوقی و نظارت بر آن

در ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی دلایل اثبات دعوا در اقرار، اسناد کتبی، شهادت، امارات، قسم، گواهی، تحقیق محلی، معاینه محل، رجوع به کارشناس و سوگند شناخته و از علم قاضی به عنوان دلیل یاد نشده است و حتی در ماده ۳۵۸ تحت عنوان قاعده منع تحصیل دلیل، دادگاه را از تحصیل دلیل در پرونده ممنوع کرده و صرفاً حق رسیدگی به دلایل اصحاب دعوا و اتخاذ تصمیم بر مبنای آن را مجاز شناخته است. پس از انقلاب با اصلاحی که در ماده ۱۳۳۵ قانون مدنی به عمل آمد علم قاضی که مبتنی بر اسناد و امارات باشد از جمله ادله اثبات دعوا شناخته شده است و از آنجا که اماره اوضاع و احوالی است که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می‌شود. به استناد مواد ۱۳۲۲ و ۱۳۲۴ همین قانون اماره بر دو قسم قانونی و قضایی است که قانون آن را دلیل بر امری قرار داده باشد و دادگاه در صورت فقدان دلیل برخلاف آن در کلیه دعاوی به استناد آن باید حکم صادر کرد و اماره قضایی آن است که به نظر قاضی واگذار شده و در دعاوی که با شهادت شهود قابل اثبات هستند می‌تواند مبنای حکم قرار بگیرد. بر این اساس دادگاه در امور حقوقی به علم خود که مبتنی بر اسناد یا اماراتی نظیر معاینه محل، تحقیق محلی، نظریه کارشناس باشد می‌توان عمل کرده و حکم صادر کند. در ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ قاعده منع تحصیل دلیل مندرج در ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی سابق دچار تغییر شده و به دادگاه اجازه داده شده هرگونه تحقیق با اقدامی که برای کشف حقیقت لازم باشد انجام دهد و در ماده ۲۵۵ نیز اطلاعات حاصل از تحقیق و معاینه محل از امارات قضایی محسوب شده که ممکن است موجب علم یا اطمینان قاضی دادگاه یا مؤثر در آن باشد. در نتیجه می‌توان گفت در امور حقوقی چنانچه علم قاضی ناشی از اسناد یا امارات قانونی باشد می‌تواند مبنی حکم قرار بگیرد و به هیچ عنوان علم شخصی و خارج از محتویات پرونده نمی‌تواند مبنای حکم قرار بگیرد<sup>۳</sup>. از

<sup>۱</sup>. به نقل از پیشین.

<sup>۲</sup>. نگاه کنید به: مقاله اصول حاکم بر عقود و قراردادها معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری خراسان رضوی، قابل دسترسی در سایت ذیل:

[https://pjorm.mashhad.ir/citizenship\\_education/](https://pjorm.mashhad.ir/citizenship_education/) ۱۳۱۹۲۱

<sup>۳</sup>. در حقوق موضوعه ایران با توجه به قوانین موجود تنها علم ناشی از ادله معتبر دانسته شده و علم شخصی دادرس فقط کارکرد کنترلی سایر ادله را بر عهده دارد. به عبارت دیگر تنها در مقابل ادله خلاف واقع ایستادگی میکند اما نمی‌تواند در صدد اثبات امری بر آید. نگاه کنید به: شریفی، هادی و دیگران (۱۳۹۲)؛ رابطه علم دادرس با دلایل قانونی اثبات دعوی مدنی؛ فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و نظام بین الملل؛ دوره و شماره: دوره ششم، شماره نوزدهم، تابستان، ص ۲۵. در کشورهای غربی اما قضات از اختیاراتی جهت کشف حقیقت برخوردارند، اما این به آن معنا نیست که قضات از حیث طرح موضوع و اقامه دلیل جانشین اصحاب دعوا گردند بلکه نقش ایشان نقشی تکمیلی است. جهت مطالعه بیشتر نگاه کنید به: پاینده، آرزو و تیزده، حمزه، ۱۳۹۶، ماهیت



«إِنَّمَا تَعْلَمُونَ الْقَوْلَىٰ أَنْ تَقُولُوا»

شماره دادنامه: ۷ تاریخ تنظیم: ۱۳۹۸/۰۲/۲۹ شماره پرونده: ۶۵۱ شماره بایگانی شعبه: ۶	شعبه دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی تهران (سابق)	شماره پرونده: ۵ شماره: ۶۷ شماره: ۹۸۰۹۹۷	دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی تهران (جزایی سابق) تصدیق
<b>دادنامه</b>			
دادگستری کل استان تهران			
پرونده کلاسه ۵ شماره ۶۷ شماره: ۹۸۰ شماره: ۹۸۰	شعبه دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی	تهران (جزایی سابق) تصدیق	شماره پرونده: ۵ شماره: ۶۷ شماره: ۹۸۰ شماره: ۹۸۰
فرزاد . به فضای استان تهران			
فرزاد . به فضای استان تهران			
فرزاد . به فضای استان تهران			
فرزاد . به فضای استان تهران			
دادگاه با بررسی محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و به شرح ذیل سوابق به تشاه رأی می نماید.			
<b>رأی دادگاه</b>			
<p>فردخصوص اختراش آقای بازرسی دادسرای ناحیه کلاهدراری قرار منع تعقیب صادر گردیده است. انجام و تفریل بدهی مالیاتی مستثنی عنهم قرارداد امضاء نموده و نامبردگان اعلام داشتند که حدود مبلغ سیزده میلیارد تومان در بانک توسط لذکر امور مالیاتی توقف شده که در صورت تعدیل و جریمه مالیاتی و آزاد سازی پولهای بلوکه شده حق الزحمه ایشان را پرداخت خواهد نمود و پس از آنکه شاکی میزان بدهی مستثنی عنهم را به حدود چهار میلیارد ریال تقلیل داده مستثنی عنهم به او عنوان نمودند که میزان بدهی را شخصاً پرداخت نمایند تا پس از آزادی پولهای بلوکه شده به شما مسترد گردد که شاکی عنوان می کرد این اقدام را انجام ندادم لکن مستثنی عنهم پول را از حساب خارج و بدهی خود را تسویه نمودند. اینک بنابه مراتب فوق چون اقدامات انجام شده از سوی مستثنی عنهم متقلبانه ملتی نشده و قریب دهنده شاکی به نظر نمی رسد و همانطور که در قرار بازپرسی قید شده است اقدامات مستثنی عنهم عدم ابعای تعهدات می باشند و در اصل بنابه گواهی بانک مبلغ سیزده میلیارد و دوپست میلیون تومان در حساب موجود بوده ولی توقیف شده بود و حتی عدم وجود پول در حساب تعهد به پرداخت مانور متقلبانه تلقی نمی گردد و از طرفی شاکی در این مرحله نیز دلیل موجهی که نقض قرار را ایجاب نماید ارائه نداده دادگاه با رد اعتراضی به استناد مواد ۲۷۰ و ۲۷۱ و ۲۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری قرار معترض عنه را تأیید می نماید این رأی قضی است.</p>			
رئیس شعبه دادگاه کیفری دو تهران		اعضای معترض کنند	

**۶-۱- مرحله بدوی تحولات آن**

ریاست دادگاه بدوی حقوقی از همان ابتدا نیز در پرونده ورود کرده است به صراحت با بررسی پرونده به تقاضای بدو اعسار از هزینه دادرسی خواهان به هويت مستعار (محمدي) رسيدگي می نمایند البته خواندگان این پرونده سریالی به هويت های مستعار (کاظمیان، محمودی، صدری، رامتین اسدی و...) می باشند که در ادامه تحولات نقش آن به سويه در پرونده جاری و دیگر پرونده های مرتبط مشخص می شود، البته نکته اینجاست که آقای محمدی مدیر یک مؤسسه است که با مشورت قاضی ایشان تصریح داشتند به بالتبع رأی کیفری دادخواست بنام خودت باشد از این باب مشکلی نیست اعسار را صادر شد (وفق گفته خواهان علیرغم ابلاغ واقعی هیچ یک از خواندگان در جلسه حضور نداشته اند) جالب اینجاست که گروه خواندگان اعلام می کنند بدون حضور در جلسه رأی به نفع آن هاست و خواهان نیز تصریح دارد بارها با قاضی صحبت کرده ام ایشان تأیید کرده اند پرونده از نظر شکلی و ماهوی مشکلی ندارد:

سؤال: اگر این دادخواست تقدیمی مشکلی داشت باید از طرف مؤسسه طرح دعوا می شد قاضی مربوطه در شعبه ..... دادگاه حقوقی تهران چرا اعسار مدیرعامل به عنوان شخص حقیقی را پذیرفته است، قانوناً باید با توجه به عدم پذیرش اعسار اشخاص حقوقی قانون محکومیت های مالی باید رفع نقص می زدند؟<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> خواهان به تبع حق تضییع شده ی خویش، از حق اقامه ی دعوا برخوردار می شود و تا صدور رأی از اختیارات وسیعی برخوردار است. اختیارات گسترده ی خواهان ریشه در اصل معروف حاکمیت اراده دارد. نکته ی قابل توجه آن که مالکیت و حاکمیت خواهان نیز مشابه اصول دیگر با استثنائاتی مواجه است. به همین منظور قانون گذار در مواردی که احتمال می رود خواهان با اعمال اختیاراتش، نظم عمومی را به خطر انداخته یا حقوق طرف مقابل را نادیده انگارد،

شماره دانشنامه : 99099 تاریخ تنظیم : 1399/03/11 شماره پرونده : 980998 شماره بهائیتی شعبه : 5   98		«فلا شجرًا تهوی ان تعلوا» شعبه : دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی دادنامه		 دادگستری کل استان تهران
پرونده کلاسه شماره	98099 990997	دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی	تهران تصمیم نهایی	
خواهان: آقای جنوبی	فرزند	به نشانی استان تهران		
خواندگان: 1. آقای	فرزند	به نشانی استان بوشهر		
و 2. آقای	فرزند	به نشانی استان ایلام		
و 3. آقای	فرزند	به نشانی استان تهران		
	آقای	فرزند	به نشانی استان بوشهر	
	و 5. آقای	فرزند	به نشانی استان تهران -	
شهرستان تهران				
خواسته: اعسار از پرداخت هزینه دادرسی				
گردشکار خواهان دانشخواستی به خواسته فوق به طرفیت خواننده بالا تقدیم داشته که پس از ارجاع به این شعبه و ثبت به کلاسه فوق و جری تشریفات قانونی در وقت مقرر/ فوق العاده دادگاه به تصدی امضا کننده زیر تشکیل است و با توجه به محتویات پرونده حکم رسیدگی را اعلام و به شرح زیر میباید:				
رای دادگاه				
در خصوص دعوی				
به طرفیت و و				
مبنی بر صدور حکم اعسار از پرداخت هزینه دادرسی مرحله بدوی نظر به اینکه مستند خواهان جهت اثبات ادعا شهادت شهود بوده و شهود تعرفه شده در جلسه دادرسی من حیث المجموع صحت ادعای خواهان مشعر بر اعسار وی از پرداخت هزینه دادرسی را مورد گواهی قرار داده اند لهذا دادگاه مستنداً به مقررات ماده 504 و بعد قانون اثبات دادرسی منتهی ضمن صدور حکم اعسار موقت وی را از پرداخت هزینه دادرسی صادر و اعلام می دارد رای صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی است. %				
رئیس شعبه دادگاه عمومی حقوقی تهران				

به برخی از لوایح تقدیمی خواهان و دیگر مستندات که نفوذ کلامی و پیش‌بینی‌های خارق‌العاده خواندگان را علیرغم رأی کیفری قطعی تذکر داده است دقت شود: (بدون لایحه، حضور رأی به نفع ماست)؟؟؟؟

مقررات محدودکننده‌ای را پیش‌بینی نموده است. نک به: پور استاد مجید و دیگران (۱۳۹۰)؛ مالکیت خواهان بر دعوای مدنی؛ فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی آزاد، دوره ۴، شماره ۱۴ - شماره پیاپی ۱۴، زمستان، ص ۴۲.



آیینه خدمات قضایی	
آرکانه کننده لایحه	نام
موضوع لایحه	۱. لایحه دفاعیه
مستندات	۱. سایر مدارک و مستندات به شماره - مورخ ۱۳۹۹/۰۸/۰۳
<p><b>حوادث قضایی</b></p> <p>ریاست محترم شعبه دادگاه عمومی و حقوقی مجتمع قضایی</p> <p>موضوع: مراتب جهت استحضار قاضی محترم رسیدگی کننده در راستای احقاق حق قانونی سلام هلیکام، احتراماً به استحضار عالی می‌رساند اینجانب،</p> <p>پیرو دلائل و مستندات لایحه لرسالی که به شماره های ذیل در قالب ائدیکتوریهای وارده مربوط به پرونده فوق الذکر (۴۵) ۹۸۰ - ۱۳۹۹ - ۵۹۰ - ۱۳۹۹ - ۷۵ در نهایت لایحه جمع بندی مراتب یا بیش از ۱۰ دلیل انسانی و دیگر اسرار موجود در پرونده به شماره رهگیری ۹۶۱ مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۲۳ ثبت و ضبط و ضم پرونده شده است.</p> <p>به استحضار مقام محترم قضایی می‌رساند پس از ارسال اظهارنامه‌های موصوف (انظار قانونی در اجرای ماده ۱۵۴ قانون آیین دادرسی در امور مدنی) برای برخی از خواندگان به صورت به تصریح به استناد شهادت شهرد اعلام گردیدند به هیچ وجه در جلسه دادرسی نه شرکت می‌نمایند و نه اقدام خاصی انجام می‌دهند می‌تواند کاری از پیش ببرند برود همکاری می‌خواهید انجام دهید (این اظهارات مسبوق به سابقه است)، نظر به اینکه فعلاً نیز پیرو لایحه وقت رسیدگی شماره ۲۱۲ مورخ ۹۸۰ مورخ ۲۷/۱۱/۱۳۹۸ شعبه . دادگاه کیفری (۲) مجتمع شهید . (تصویر پیوستی) چنین امری را مطرح نمودند و علیرغم اعتقاد اینجانب به وصف کثیری داشتن اقدامات موصوف در واقع قرار منع تعقیب تأیید شد بدون اینکه در جلسه حاضر شوند. حتی یک صفحه دفاعیه در پرونده داشته باشند متأسفانه تظویه ادعای ایشان تأیید گردید. فلذا پیرو درخواست تقدیمی و مستندات با توجه به دادنامه قطعی کیفری دادگاه کیفری (۲) مجتمع تهران و بالتح نظر به دستور ماده ۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه در پاسخ به استعلام شماره ۵۰۴۶۶ مورخ ۲۷/۱۱/۱۳۹۲ قانون وکلای دادگستری مرکز مسی بر اینکه فعلاً رأی دادگاه حقوقی نمی‌تواند برخلاف مدلول رأی قطعی کیفری باشد. (تصویر پیوستی) با توجه به عدم اجرای نامین خواسته مستند به بند الف ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی در ابلاغیه شماره ۵۳ مورخ ۱۱/۱۲/۱۳۹۹ مراتباً با توجه به قطعی بودن مشغول الذمه ۲۰ درصدی خواندگان از مبلغ ادعایی وفق دادنامه موصوف در قرارداد همکاری (۲۹۹۱۱۲۷) به حضور عالی اهداد می‌گردد. مضافاً با توجه مدلول مواد (۱) و بند (۱) ماده (۲) امکان پیش‌بینی نتایج نظام حقوقی بندهای (ب) و (پ) ماده (۸) بخشنامه امساری جدید (سند امنیت قضایی) به شماره ۱۰۰۰/۱۱۹۹۲/۸۹۰۰۰ مورخ ۲۱/۱۱/۱۳۹۹ ریاست محترم قوه قضائیه بی‌رحمی محکومیت خواندگان موصوف مورد استعلامت. به خاطر اطلاعاتی کلام بپوشش می‌کنم و مراتب قبل از جلسه رسیدگی خدمت مقام محترم و ترفیقدر قضایی در راستای احقاق حق قانونی اعلام و ابعاد می‌گردد.</p>	

سامانه خدمات الکترونیک قضایی	
بسمه تعالی	شماره پرونده: ۸۷
تاریخ تقدیم: ۱۳۹۷/۰۸/۲۲	کدر رهگیری: ۳۳۷
کدر رهگیری: ۳۳۷	پست: اداره
شماره پرونده: ۸۷	۹۸۰
آیینه خدمات قضایی	
آرکانه کننده لایحه	نام
موضوع لایحه	۱. لایحه دفاعیه
<p>ریاست محترم و معظم شعبه دادگاه عمومی و حقوقی مجتمع قضایی - تهران</p> <p>سلام علیکم</p> <p>موضوع: تأکید مجدداً بر افزایش میزان خواسته قبل جلسه اول (قبلاً تقدیم شده مستندات موجود) و مضافاً ایجاد شهادت توسط خواندگان پرونده که با مستندات به اطلاع سادی ذی ربط قانونی (۱۳۹۹/۸/۳) به حفاظت اطلاعات قوه قضائیه) رسیده است.</p> <p>احتراماً اینجانب: به عنوان خواهان پرونده کلاسه ۸۷ و ۹۸۰ با شماره پانگتی ۵ آن مرجع محترم نظر به جلسه رسیدگی مورخ ۱۳۹۹/۸/۱۹ ساعت ۹:۳۰ به طرفیت خواندگان پرونده. و ... با توجه به اینکه بیش از ۲ هفته از صدور رأی گذشته است در حالی که ماده ۲۹۵ قانون آیین دادرسی در امر مدنی حداکثر یک هفته تعیین کرده است. با اعتقاد کامل به سلامت دستگاه قضایی خواندگان پرونده شهادتی مطرح کرده اند مراتب مورخ ۱۳۹۹/۸/۳ به حفاظت اطلاعات قوه قضائیه مستندات تعویلاً مانده شده است که خدمت شما اعلام می‌گردد.</p> <p>۱- با تأکید مجدداً بر افزایش میزان خواسته که فعلاً با توجه به وجود منفا و آمد و نشاء در محاسبه در دادخواست بدوی تقدیم شده بود و با تصحیح آن به میزان (۲۰) فرسده کل مبلغ (۱۳۲) میلیارد ریال معادل سیزده میلیارد و دویست میلیون تومان و همچنین در کرد و ضرر و زیان از سال ۱۳۹۷ تاکنون از محضر مشارک جهت صدور حکم</p> <p>۲- خواندگان در حضور شهرد و مسلمین مجدداً اظهار داشته اند به صراحت حتی بدون اینکه یک لایحه یا دفاعیه ای در پرونده داشته باشند با وکیل معرفی کنند با ایراد ماهوی و شکلی رأی به نفع آنان صادر خواهد شد فلذا مجدداً ضمن اعتقاد واضح به سلامت دستگاه محترم قضایی مراتب با توجه به تمام مستندات و دلائل موجود در پرونده عدم وجود هیچگونه دفاعی در پرونده از سوی خواندگان محکومیت ایشان از محضر مقام قضایی رسیدگی کننده مور درخواست و استعلامت.</p>	

بالاخره علیرغم تمامی این فعل و انفعالات صورت پذیرفته عدم اجرای تأمین خواسته خواهان و با توجه به اینکه مراتب با مستندات (قبل صدور رأی) به مراجع نظارتی نیز اطلاع رسانی شده<sup>۱</sup> بود: در زمان صدور رأی تحت تأثیر دوره تحول وفق ماده (۲) ق آ.د.م باید دعوای از سوی شخص حقوقی مطرح شود؟؟؟

شماره پیگیری	۳۸	۰۳
زمان ثبت	۱۳۹۹/۰۸/۰۳ - ۱۲:۳۳	
<b>اطلاعات درخواست</b>		
نوع درخواست	گزارش فساد (ناشناس)	
دستگاه اجرائی	قوه قضائیه	
شرح	<p>هوالمحق ریاست محترم بازرسی کل کشور سلام علیکم موضوع: پیشگیری از جرم و فساد احتمالی درون لویه قضائیه احتراماً اینجانب شعبه دادگاه عمومی و حقوقی مجتمع قضایی تهران می باشم در مورخ ۶/۸/۱۳۹۹ ساعت ۳۰/۹ صبح جلسه رسیدگی دارد نظر به اینکه در حضور شهود به صراحت خواندگان اعلام کرده اند که به هرکلیتی رأی پرونده به ضرر بنده است(مسبوق به سابقه است با مستندات) با توجه به اینکه بنده رأی قطعی کیفری دارم وفق دستور ماده (۱۸) قانون آیین دادرسی در امور کیفری برای شعبه حقوقی لازم الاتباع است و دین مذکور مستقر و در قالب سند رسمی(ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی) است. با توجه به صحبتی که با قاضی داشتم اظهار داشتند پرونده مشکل خاصی ندارد ، هرگونه اظهار نظر شکلی و ماهوی قاضی مربوطه به ضرر بنده باشد(بابت رد پرونده) را نوعاً در پرونده می دانم قبل از جلسه رسیدگی اعلام می نمایم و یحتمل به ضرر بنده رأی دهد، طی لایحه شماره ۳ مورخ ۳/۸/۱۳۹۹ پیوستی به ایشان غیرمستقیم تذکر داده شده است ، فلذا مراتب جهت هرگونه جریان ناممکن اداری درون قوه قضائیه جهت رصد مراتب اطلاع داده می شود.قطعا پس از چنین انقالی خدایی ناخواسته رخ دهد قبل از جلسه رسیدگی بدین سند امستناد خواهم نمود.با برخی مستندات دیگر پازل تکمیل خواهد شد ...</p>	
 دادگستری کل استان تهران		
شعبه	دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی	شماره دهنده : ۹۹۰۹۹ تاریخ تنظیم : ۱۳۹۹/۰۸/۲۶ شماره پرونده : ۹۸۰۹۹۹۸۰ شماره بایگانی شعبه : ۹۸
پرونده کلاسه	شعبه ۹۸۰۹۹۸	تهران تصمیم نهایی
شماره	۹۹۰۹۹	
خواهان: آقای	فرزند	به نشانی استان تهران
جنوبی		
خواندگان: آقای	فرزند	
خواسته: مطالبه وجه بابت ... گردشکار-خواهان دادخواستی به خواسته فوق به طرفیت خوانده بالا تقدیم داشته که پس از ارجاع به این شعبه و ثبت به کلاسه فوق و جری تشریفات قانونی در وقت مقرر/ فوق العاده دادگاه به تصدی امضا کننده زیر تشکیل است و با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می نماید . رأی دادگاه در خصوص دعوی به طرفیت مبنی بر مطالبه وجه موضوع قرارداد ۹۷/۹/۲۹ و خسارات دادرسی و تاخیر تادیه دادگاه فارغ از اینکه موضوع خواسته بصورت منجز و دقیق تبیین نگردیده و میزان آن متیقن اظهار نشده و از آنجا که قرارداد اعلامی موضوع ادعا موافق مدیرعامل موسسه منعت و خواهان دلیلی بر سمت خود در آن شرکتها ابراز نداشته که در فرض ارائه نیز دعوی می بایست از سوی شخص حقوقی اقامه و نه حقیقی بنا به مراتب و عدم طرح دعوی وفق مقررات و مستنداً به ماده ۲ ق.آ.د.م قرار رد دعوی صادر و اعلام قرار اصداری طرف مهلت بیست روز قابل طرح و رسیدگی در محاکم تجدید نظر استان است.% رئیس شعبه دادگاه عمومی حقوقی تهران		

<sup>۱</sup> رئیس قوه قضائیه: اولویت ما برخورد با تخلفات قضات و کارکنان قوه قضائیه است؛ به تعبیر رهبر معظم انقلاب با دستمال کثیف نمی شود شیشه را پاک کرد  
 دستگاه‌های اداری باید ساختارهای فسادزا را شناسایی و اصلاح کنند. جهت دسترسی به خبر نگاه کنید به: entekhab.ir/00229d

پس از این روند خواهان علت اصلی چنین دادنامه‌ای را ناشی عدم انجام تعهدات<sup>۱</sup> (به علت عدم توان مالی و استطاعت علیرغم اثبات اعیان) ارزیابی می‌کند و حتی می‌پذیرد که باید طرح دعوا از طرف مؤسسه باشد و اینکه بدین رأی اعتراض کند ولی جالب اینجاست شعبه بدوی به خاطر "عرق خاص بدین پرونده" علیرغم (۲) بار تجدیدنظرخواهی از ارسال آن به تجدیدنظر امتناع می‌کند؟

بسم الله الرحمن الرحيم

ریاست محترم دادگاههای تجدید نظر استان تهران

موضوع: لایحه دفاعیه تکمیلی تجدید نظر خواهی از دادنامه ۰۴ مورخ ۹۹۰۹۹۷ مورخ ۱۳۹۹/۸/۲۶

باسلام احتراماً، پیرو لایحه تجدید نظر خواهی با رهگیری شماره ۱۸ در خصوص پرونده کلاسه ۸۷ با کلاسه بایگانی ۹۸۰ با کلاسه ۵۰ ششم دادگاه عمومی و حقوقی مجتمع قضایی تهران مراتبی را عرض می‌دارد:

۱- خدمت شما عارض است تملکی مدارک و مستندات مربوط به فراداد مؤسسه که در دادنامه بدوی موصوف ابراز شده است که ارائه نشده است (تصویر پیوستی ص ۴)

۲- در پرونده کیفری به کلاسه ۰۶۵ دادگاه عمومی و کیفری (۲) مجتمع ارائه شده است و دقیقاً در فرار دادسرا (آقای ۴) به صراحت بازپرس تأیید کرده است:

۱-۲ "بررسی مدارک و مستندات را و آراء عدم ایفای تعهدات قراردادی تشخیص داده است" (پیوستی ص ۴)

۳- همچنین ریاست شعبه نیز به هويت آقای به صراحت آورده است:

۱-۳ "موسسه حقوقی بودن یعنی اقرار کرده است عده ایفای تعهدات قراردادی تشخیص داده است" (پیوست ص ۳)

↓

۲- به دستور ماده ۱۲۸۷ در حکم سند رسمی امر قضاوت شده مأمور رسمی دولت است وفق ماده ۱۸ آیین دادرسی کیفری به عنوان قاعده آمره برای شعبه حقوقی لازم الاتباع است وفق نظریه مشورتی قوه قضاییه نیز باید دادگاه حقوقی از آن نهمیت می‌نمود (تصاویر پیوستی ص ۵)

۵- دلیل رد دعوا نیز دلایل غیر حقوقی و قضایی که در صفحات پیوستی تقدیم شده است مستندات کامل موجود است (بخشی از مستندات پیوستی ص ۵)

به امید عدالت واقعی

<sup>۱</sup> مقام معظم رهبری در بیانات تأکید فرموده‌اند که: «باید مبارزه با فساد، در درجه اول در داخل قوه و به صورت جدی و کارشناسی انجام شود، زیرا تبعات و ضربه فساد در داخل قوه قضاییه بسیار سنگین خواهد بود». ضمن اشاره به مقابله با فساد درون دستگاهی، بر لزوم نگاه کارشناسی برای شناخت بسترهای فسادزا و مقابله با آن نیز تأکید فرمودند و اشاره داشتند که بایستی کاری کرد. امری که صد البته نیازمند کارهای جدی کارشناسی و تحقیقی است.

خواهان به صراحت می گوید: اثبات اعسار در محکمه صرفاً جهت روند اعسار از هزینه دادرسی در محاکم است، عدم استطاعت مالی ایشان در پرداخت هزینه ها علیرغم رأی حق مستقر وجود قرارداد، رأی قطعی کیفری و ... در مراحل بعدی نیز تأثیرگذار خواهد بود؟ بالاخره تمهیدی که خواهان می اندیشد در جهت خنثی سازی دفاع از حق خود با درخواست بدو اعسار در پرونده تحت کلاسه فرضی (۲۸۷ الف) از طرف مؤسسه در تجدیدنظر ورود ثالث می کند، هرچند در تجدیدنظر حضور اصحاب دعوا الزامی نیست بارها با خواهان در قامت مدیر مؤسسه تماس می گیرند بدون ابلاغ قانونی در آن مرجع حاضر شود؟

اطلاعات درخواست	
نوع درخواست	گزارش فساد (ناشناس)
دستگاه اجرائی	قوه قضائیه
شرح	مسئول محترم مربوطه
<p>موضوع: اعلام عدم نتیجه گیری پرونده منطبق با عدالت و قانون در مرحله تجدید نظر خواهی (بدون اینکه فعلاً شعبه تجدید نظر خواهی تعیین شده باشد).</p> <p><b>"دورود واغر"</b></p> <p>با عرض ادب و پیرو گزارش شماره ۱۰۳ - ۳۸ مورخ ۳/۸/۱۳۹۹ (پیش از وقوع) و همچنین مستندات غیرقابل انکار موضوع شماره ۳ - ۳۹ مورخ ۲۷/۸/۱۳۹۹ (پس قطعی شدن پیش بینی صورت گرفته ۳/۸/۱۳۹۹ بند ۲) لایحه الکترونیکی با کد رهگیری ۳۷ - ۱۳۹۹ مورخ ۲۲/۸/۱۳۹۹ که به شماره ۶۳ - ۱۳۹۹ مورخ ۲۴/۸/۱۳۹۹ پرونده ثبت و ضبط شده است) بالنسب سامانه ای با کد رهگیری : ۲۲ - ۱۳۵ در پرونده کلاسه ۸۷ - ۹۸ به کلاسه بایگانی شعبه (شعبه دادگاه عمومی و حقوقی تهران) به استحضار می رساند پیرو صحبت های مطرح شده از سوی دوستان پس از مراتب رخ داده به صراحت اعلام شده است در مرحله تجدید نظر خواهی (بدون اینکه فعلاً مشخص شود در کدام شعبه تجدید نظر مطرح خواهد شد) علیرغم داشتن رأی قطعی کیفری و دیگر دلایل غیرقابل انکار در پرونده عدم دفاع خواندگان (موثر و حتی موثر) نتیجه ای حاصل نخواهد شد. این یعنی عملاً سو جریبان فلذا مراتب جهت استحضار شما اعلام می گردد شعبه در مراحل بعدی بدان استناد خواهد شد و در قالب مدارک و مستندات منتشر شده در دسترس عموم قرار خواهد گرفت.</p>	
بسمه تعالی	تاریخ تقدیم: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰
شماره پرونده: ۲	کدرهگیری: ۵۷
۹۹۰	پیوست: ۲ برگ
 <p>سامانه خدمات الکترونیک قضائی لایحه خدمات قضائی</p>	
ارائه کننده لایحه	نام: عدالت
موضوع لایحه	۱. لایحه دفاعیه
متن لایحه	۱. مدارک و مستندات به شماره: مورخ
<p>بسم الله الرحمن الرحيم ریاست محترم شعبه دادگاه تجدید نظر استان تهران با سلام و احترام امنا بیرو سومین تماس جناب آقای دفتر محترم شعبه با شماره ۲۸ - ۲۱ (به عنوان مثال روز شنبه ۱۳۹۹/۱۲/۰۹ ساعت ۱۳:۰۹) با مدیرعامل جهت مراجعه حضوری به شعبه مرانی تقدیم می گردد:</p> <p>۱- نظر به مراجعه ۲۲-۱۳۹۹ که متأسفانه بدون عدم استنطاق (حتی یک دقیقه اظهارات مدیر قانونی) از سوی مستشار محترم شعبه بلافاصله منجر به صدور قرار عدم استنطاق ورود ثالث (اعسار هزینه دادرسی) خواهشمند است در صورت لزوم ارائه توضیحات مراتب به صورت اعسار به ابلاغ الکترونیکی صورت پذیرد.</p> <p>۲- پیرو لایحه به کد رهگیری شماره ۲۰ - ۱۳۹۹ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۸ ارسال شخص حقیقی ۹۸۰۹۹۸۰۲۲۱۰۱۳۸۷ مراتب ذیل تقدیم می گردد:</p> <p>لطفاً به مفاد لایحه حواله ذیل دقت فرمایید *****</p> <p>در سال ۱۳۹۷) از حساب شخصی ایشان پرداخت شده و ***** مبلغ پرداختی ۸۸۰۰۰۰۰۰۰ ریال (معادل ۸۸ میلیون تومان ضرر) ریان قرارداد ***** تعداد: عدالت</p>	

۱. سوالی که پیش می آید این است آیا قوه قضائیه به چنین جایگاهی رسیده است که رهبری می فرماید: قوه قضائیه باید به جایگاهی برسد که هر فرد مظلومی احساس کند با رجوع به دستگاه قضایی می تواند حق را بگیرد. سخنان ایشان قابل دسترسی در سایت: <https://www.isna.ir/news/97041206742>

پس از یک بار حضور خواهان در دادگاه تجدیدنظر تهران در مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۲۲ بدون اینکه اجازه صحبت کردن به ایشان داده شود تقاضای اعسار از هزینه دادرسی شخص حقوقی که خواهان جهت نیل به حقیقت التفات حقوقی بدین موضوع تقدیم کرده است در همان روز قطعی رد می شود و یک ماه بعد مجدداً از قرار عدم استماع صادر قطعی در مرحله تجدیدنظر عدول می شود؟ چطور علیرغم رأی قطعی باید ۱۳۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال دیگر به حساب بریزد ایراد قانونی دارد؟؟؟ (ادامه روند به امید عدالت ترسیمی)

تاریخ دادنامه ۱۳۹۹/۱۰/۲۲ تاریخ عدول ۱۳۹۹/۱۲/۱۹		شعبه دادگاه تجدیدنظر استان تهران دادنامه		
۹۹۵	شماره پرونده : ۸۷	۹۹۰۹	تاریخ تنظیم : ۱۳۹۹/۱۰/۲۲	دادگستری کل استان تهران
	شماره بایگانی شعبه :		شماره پرونده : ۴۳	
پرورنده کلامه ۴۳		شعبه ۹۹۰۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران تصمیم نهایی شماره		۹۹۰۹۹۷۰۲۲۲۹۰۲۰۵۷
تجدیدنظر خواه:		عدالت		تجدیدنظر خواه:
فرزند		به نشانی استان تهران - شهرستان تهران با مدیریت آقای		تجدید نظر خواندگان:
				
تجدیدنظر خواسته: اعسار از پرداخت هزینه دادرسی ورود ثالث				
گر نقشه: دادگاه پس از بررسی و مطالعه مندرجات پرونده ختم جلسه و اعلام و بشرح ذیل مبادرت به صدور رای مینماید رای دادگاه				
در خصوص دعوی شرکت عدالت بطرفیت آقایان				
<p>بخراسته اعسار از پرداخت هزینه دادگاه مرحله ورود ثالث توجهاً به جمع اوراق و محتویات پرونده نظر به اینکه مدعی اعسار شرکت بوده که دارای شخصیت حقوقی است و شرکت ها و اشخاص حقوقی وفق مقررات قانونی نمی توانند دادخواست اعسار تقدیم نمایند بلکه اعسار مختص اشخاص حقوقی می باشد چنانچه اشخاص حقوقی ناتوان از پرداخت هزینه دادرسی باشند میبایست دادخواست ورشکستگی تقدیم نمایند بنابراین دادگاه بنا به مراتب مرقوم و به استناد مواد ۲ و ۵۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی قرار عدم استماع دعوی خواهان صادر و اعلام مینماید رای صادره قطعی است.</p>				
رئیس محترم شعبه دادگاه تجدیدنظر استان تهران		مستشار دادگاه		
<b>بسمه تعالی</b>				
دادگستری کل استان تهران				
شعبه دادگاه تجدیدنظر استان تهران				
<b>ابلاغ الکترونیکی</b>				
۹۹۱۰	شماره ابلاغیه :	۹۹۱	شماره پرونده :	
	شماره بایگانی پرونده :		تاریخ تنظیم :	
	۹۹۱		۱۳۹۹/۱۲/۱۹	
نام		عدالت		شماره ملی: ۴۶ ۱۴۰
نوع ابلاغیه: ابلاغ اخطاریه رفع نقص				
مهلت رفع نقص: ۱۰				
مبنی ابلاغیه: مهلت رفع نقص ۱۰ روز اخطار ششمین مرتبه				
<p>نظر به آنکه دادخواست تقدیمی شما به جهات ذیل ناپس منی باشد ، لذا مقتضی است طرف مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ بسمت به رفع نقص یا مراجعه به یکی از دفاتر خدمات الکترونیک قضایی اقدام نمایید، درغیراین صورت برابر مقررات قانونی قرار رد دادخواست شما صادر خواهد شد.</p>				
<p>هزینه دادرسی پرداخت نموده است. بناوبه به صدور قرار عدم استماع در خصوص دعوی اعسار شماالی و طبق فورم خواسته در دادخواست ورود ثالث هزینه دادرسی مبلغ ۱۳۵/۰۰۰/۰۰۰ تومان منی باشد. ابلاغیه فاقد بویست منی باشد.</p>				
موارد نقص: هزینه دادرسی پرداخت نشده است.				
کمیت امر ابلاغ - ابلاغیه در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۹ به سامانه ابلاغ ارسال گردید.				

## ۷- پرونده (۵۱۴ الف) حوزه قضایی ایلام: (خواسته: ضرر و زیان شخصی از حساب شخصی حقیقی)

در این مرحله احدی از خواندگان به هويت مستعار (حاج رامتين اسدی) در حوزه قضایی شهرستان ایلام دادخواست با همین موضوع و مستندات علیه خواهان با کلاسسه فرضی (۲۸۷ الف) در حوزه قضایی تهران و دیگر اصحاب دعوا تقدیم کرده است. محمدی به عنوان خواهان پرونده کلاسسه فرضی (۲۸۷ الف) تهران و خواننده در پرونده با کلاسسه فرضی (۵۱۴ الف) حوزه قضایی استان ایلام در دفاع از خود با تقاضای بدو اعسار درخواست جلب ثالث دیگر خواندگان را در همان مرحله بدوی می نماید اعسار وی نیز صادر می شود؟


سؤال: در حوزه قضایی استان ایلام نیز خواهان وفق مستندات ادعا دارد اعسارش به عنوان شخص حقیقی پذیرفته شده و ربطی به شخص حقوقی<sup>۲</sup> (مؤسسه اش) نداشته است، علی الاصول اعسار از هزینه دادرسی شخص حقوقی بدو پذیرفته نیست؟ نقطه مشترک هر دو حوزه در ابتدا شخص حقیقی را پذیرفتند در انتها به شخص حقوقی رسیده اند؟ (جل الخالق) ...

شماره دادنامه: ۹۹۰۹۹۷ تاریخ تنظیم: ۱۳۹۹/۰۹/۲۹ شماره پرونده: ۹۹۰۹۹۸ شماره بایگانی شعبه: ۹۹		شعبه دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ایلام دادنامه		 دادگستری کل استان ایلام	
۹۹۰۹۹۹	۹۹۰۹۹۸ شعبه دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ایلام تصمیم نهایی شماره	پرونده کلاسسه	فرزند	خواهان: آقای	خواندگان:
	به نشانی استان تهران - شهرستان تهران - تهران	۱. آقای	فرزند	۲. آقای	۳. شمس
	به نشانی استان تهران	۴. آقای	فرزند	خواسته ها:	
				۱. اعسار از پرداخت هزینه دادرسی	
				۲. مطالبه وجه بابت ...	
				بسمه جلت اسمائه	
				دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و بشرح زیر میانگرت بصنور رای می نماید .	
				(((( رای دادگاه ))))	
				در خصوص درخواست خواهان به طرفیت خواندگان شرکت شمس - پرشیا -	
				به خواسته اعسار از پرداخت هزینه دادرسی . نظر به اینکه خواهان جهت اثبات ادعای خویش استثنای محلی کتبی را ضمیمه درخواست کرده است که وفق قانون تنظیم گردیده و استثنای محلی مثبت ادعای وی می باشد . نظر به این که مطابق مواد ۵۰۶ و ۵۰۷ قانون آیین دادرسی در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ استثنای کتبی می تواند جهت پذیرش دعوی اعسار کفایت نماید و استماع شهادت شهود الزامی نیست. بناعلیهذا دادگاه با احراز عسرت و تنگدستی نامبرده مستندا به مواد مزبور حکم برقبولی و معافیت موقت وی از پرداخت هزینه های دادرسی صادر و اعلام می دارد . چنانچه خواهان در دعوی اصلی محکوم نه واقع و از اعسار خارج شود ملزم به پرداخت هزینه دادرسی است. خواهان می تواند در تمام مراحل مربوط به دعوی موضوع این پرونده از معافیت استفاده نماید. رای صادره حضوری ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر خواهی در دادگاه تجدیدنظر استان ایلام می باشد	
				دادرش شعبه	دادگاه عمومی حقوقی ایلام

خواهان نیز مدعی است بارها طی لایحه و حتی حضوری در این حوزه قضایی به دادرس دادگاه حقوقی ایلام تفکیک این دعوا<sup>۳</sup> و نوع خواسته<sup>۴</sup> را متذکر شده است به مستندات وی توجه شود ولی نخواست به توجه کند؟

1. Jurisdiction  
2. Legal Person  
3. Separation of disputes  
4. Type of request

شماره پیکتوری	۳۳	۳۶
زمان ثبت	۱۳۹۹/۱۱/۱۱ - ۱۵:۴۹	
<b>اطلاعات درخواست</b>		
نوع درخواست	گزارش	
موضوع	<p>هوالحق کارشناس محترم سامانه در دفاع از حق نه آدم فروشی قبل صدور رای موضوع اعلام در وقت رسیدگی مورخ ۱۱/۱۱/۱۳۹۹ هم اطلاع شهود بود هم وکیل مدافع خواهان به ( اعلام نمود به نبود وی رای خواهد داد) . باسلام - احتراماً پیرو گزارشی های شماره ۳۳- مورخ ۲۹/۹/۱۳۹۹ شماره ۳۳ مورخ ۸/۹/۱۳۹۹ و ضمناً گزارشی از طریق مرکز ارتباطات فیه قضاییه با کد رهگیری ۳۴ در خصوص پرونده کلاسه ۵۱۳ ۱۵/۱۱ مراتب و درخواست شفا عرض می دارد ۹ با شماره بایگانی ۱۱/۱۱/۱۳۹۹ ساعت ۱۵/۱۱ مراتب و درخواست شفا عرض می دارد ۲ اولاً : طی لایحه با کدرهگیری ۶۳ مورخ ۱۱/۱۱/۱۳۹۹ بند جلسه به صورت الکترونیکی ارسال کردم قبل صدور رای به وی مستقیماً فلکتر دادم ۲ ثانیاً با کد رهگیری ۶۷۹ مورخ ۱۳۹۹۲ مورخ ۱۱/۱۱/۱۳۹۹ به مراجعت در حضور شهود گفته است در این پرونده برامتنی رای می گیرم ۲ ثالثاً : به مراجعت گمتند طلب ثالث شفا قابل قبول نیست و رد می کنم (چرا باید اسلام نظر کند ) در نهایت قبل اعلام رای کاتم این تاخیر وکیل مدافع خواهان بود ۱۱ تاخیر بهطرح پرونده دیگر نهادمانی معالفت معالفت و دادم برای لغات نمی گویند بند اعلام رای چون به صورت است چس اندامی مطرح می کنی - اسناد - معذا متشکر خواهد شد .</p> <p>به قول اورا این ۱۱ تاخیر سردال اون بی بار ۹۸ و ۱۱۱۱۱۱۱۱ یا های مدد</p>	
فایل پیوست	دارد	نوع گزارش
		۱- پیش از وقوع

 <p><b>سامانه خدمات الکترونیک قضایی</b> <b>لایحه خدمات قضایی</b></p>	<p><b>بسمه تعالی</b></p> <p>شماره پرونده : ۵۱۴ ۹۸۰</p>												
<p>تاریخ تقدیم : ۱۳۹۹/۱۱/۲۵ کدرهگیری : ۲۰۱ پیوست : ۲ برگ ۱۳۹۹۲</p>													
<table border="1"> <tr> <td>رگه کننده لایحه</td> <td>نام :</td> <td>نام خانوادگی :</td> <td>نام پدر :</td> </tr> <tr> <td>موضوع لایحه</td> <td colspan="3">۱- لایحه دفاعیه</td> </tr> <tr> <td>منضمات</td> <td colspan="3">۱- سایر مدارک به شماره ۰ مورخ</td> </tr> </table>	رگه کننده لایحه	نام :	نام خانوادگی :	نام پدر :	موضوع لایحه	۱- لایحه دفاعیه			منضمات	۱- سایر مدارک به شماره ۰ مورخ			
رگه کننده لایحه	نام :	نام خانوادگی :	نام پدر :										
موضوع لایحه	۱- لایحه دفاعیه												
منضمات	۱- سایر مدارک به شماره ۰ مورخ												
<p>بسم الله الرحمن الرحيم                  دانش محترم شمه دادگاه عمومی و حقوقی ایلام - جناب آقای سلام طبکم                  احتراماً به عنوان خواهان جلب ثالث پرو جلسه مورخ ۱۱-۱۱-۱۳۹۹ در تکمیل امراض تقدیم می گنم</p>													
<div style="border: 1px solid black; padding: 10px; width: fit-content; margin: 0 auto;"> <p>اولاً جناب آقای دانش محترم و گرامی لطفاً توجه فرمایید : (رونوشت پیوست است )                      - دادخواست نهرن از طرف موسسه و مطالبه فرادادی است (به عنوان مدیر عامل موسسه حقوقی )                      - دادخواست جلب ثالث در ایلام ضرر و زیان شخصی است بنده محتفل شده ام (شخص حقیقی)                      - لطفاً به تفکیک دادخواست های تقدیمی و نوع خواسته و تفکیک لخاص آنها توجه شود</p> </div>													
<p>ثانیاً : وفق قانون تجارت موسسه دارای شخصیت مستقل محرا از اصالت ، بنده از حساب شخصی شماره ۱۱ ۱۰۲۶ (حساب شخصی ام) ۸۸ صلون لیونان به ایتان پرداخت کرده ام .</p>													
<p>ثالث در خصوص شبهه به وجود آمده مبنی بر اینکه حساب تعالی به شماره ۱۲ ۲۱ بنام دارای ۱۳ میلیارد تومان گردش مالی بوده کتب محض است ، مراتب به پیوست تقدیم می گردد</p>													
<p>رلمذا در خصوص اثبات ادعای مطلوب ثالث موکبل . به وکالت ایشان بدین قسبه که شمه ائرا حقوقی دهفته است اشاره کرده است . آقاو نیز گنمل در جریان هسته و مراتب را منتقل خواهند نمود فلذا در نهایت محکومیت معلومین ثالث مورد استعداست .</p>													

بالاخره پس از فعل و انفعالات جلسه رسیدگی در حوزه قضایی ایلام شروع می شود، آقا رامتین در جلسه به پرونده تهران استناد می کند این در حالی است که تمامی مستندات ارائه شده رامتین اسدی همان استنادات آقای محمدی و مؤسسه است ولی با توجه به "نفوذ کلام ایشان" پرونده ایشان وفق ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی<sup>۱</sup> در حالت "(نیمه مختمومه، انتظار)" قرار می گیرد تا رسیدگی تهران تمام شود در مورد جلب ثالث عین رأی شعبه دادگاه عمومی و حقوقی تهران را قید می کند؟؟؟ (احتمال ورود ثالث مؤسسه)

....

 <p>دادگستری کل استان ایلام</p>	<p>شعبه دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ایلام</p> <p><b>دادنامه</b></p>	<p>شماره پرونده : 514 شماره بایگایی شعبه :</p>	<p>980999</p>
<p>پرونده کلاسه 514 خواهان: آقای خوانندگان:</p>	<p>شعبه 98 دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ایلام فرزند به نشانی استان ایلام - شهرستان ایلام</p>	<p>شماره پرونده کلاسه 514 خواهان: آقای خوانندگان:</p>	<p>990997</p>
<p>1. آقای 2. آقای</p>	<p>فرزند فرزند به نشانی استان تهران - به نشانی استان قم - شهرستان قم</p>		
<p>خواسته ها:</p> <p>1. مطالبه وجه بابت ... 2. تامین خواسته 3. جلب ثالث (عیرمالي) بسمه جلت استعنه</p> <p>دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و بشرح زیر میبایست بصورت رای می نماید .</p> <p style="text-align: center;">***** رای دادگاه *****</p>			
<p>در خصوص درخواست خواهان از 3- به طرفیت خوانندگان : 1 - 4- به خواسته : مطالبه وجه به مبلغ 11/500/000/000 ریال (اقرایش 5- خواهنده در جلسه اول دادرسی) نظر به اینکه : مطابق اظهارات خواهان و همچنین اظهارات خواننده وجه فوق از بابت وجه الوکاله و ختمت حقوقی توسط مؤسسه عدالت به موجب قرارداد با خوانندگان بوده است که خواهان در وقت مقرر رسیدگی 99/11/11 اذعان نموده که اطلاعی از اخذ وجه قراردادی توسط شرکت مذکور ندارد و خواننده نیز منکر اخذ هر گونه وجه موضوع قرارداد مذکور شده است و هر دو نفر بیان داشتند در دانشگاههای عمومی حقوقی تهران تحت کلاسه 980998 شعبه دادگاه عمومی حقوقی مجتمع تهران اقامه دعوی مفتضی شده است. لذا چون محکومیت خوانندگان منوط به اثبات اخذ وجه بابت اخذ وجه الوکاله و ختمت حقوقی توسط آنان است که در صلاحیت این دادگاه نیست ، این دادگاه مستند به ماده 19 قانون آیین دادرسی مدنی قرار توقف دادرسی را تا زمان تعیین تکلیف نهایی آن صادر می نماید. این قرار قطعی است. ظرفین مکلف هستند ، پس از صدور رای قطعی نسخه ای از آن جهت ادامه دادرسی تقدیم این دادگاه نمایند . در خصوص دادخواست جلب ثالث خواهان به طرفیت</p> <p style="text-align: center;">2 - 3-</p>			

<sup>1</sup>. Code of Civil Procedure



شماره دادنامه : 06 تاریخ تنظیم : 1399/11/27 شماره پرونده : 514 شماره پیگانی شعبه : 98		«فلا تهبوا کهبوی ان تغلوا» شعبه دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ایلام دادنامه دانگستری کل استان ایلام		
داندگستری کل استان ایلام				
، به خواسته : جلب ثالث در پرونده کلاسه 514 980998 با شماره پیگانی 98 شعبه دادگاه عمومی حقوقی ایلام، مطالبه ضرر و زیان شخصی (حقیقی) ناشی از اقدامات منتسب به مجلوبین بنوا مفوم به 5/000/000/000 ریال (افزایش خواسته) ، نظر به اینکه : قرار داد موضوع مطالبه وجه توسط خواهان به سمت رئیس هیئت مدیره مؤسسه عدالت منعقد شده و دعوی می بایستی توسط مؤسسه مذکور اقامه شود . بنابر مراتب فوق طرح دعوی به کیفیت فعلی موجه و مسموع نیست ، دادگاه مستنداً به ماده 2 از قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور منلی قرار عدم استماع دعوی خواهان را صادر و اعلام می دارد. برای صادره حضوری و ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ رای قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان ایلام است.				
داندگسری کل استان ایلام		دادرس شعبه دادگاه عمومی حقوقی ایلام		

۸- پرونده‌های (۵۳۱ ب و ج) حوزه قضایی استان ایلام: (عدم تفاوت در شخص خواهان در قاعده جدید تفسیر به نفع خواننده، نسبی بودن ماده (۲) و بند (۱۰) ماده ۸۴ قانون آ.د.م ۱۳۷۹ ("حسب مورد")

#### ۸-۱- مرحله شورای حل اختلاف

در خصوص تأثیرات دوره تحول در این حوزه قضایی آقای محمدی به عنوان مدیرعامل مؤسسه عدالت تصریح می‌دارد به اواخر سال ۱۳۹۶ شخصی به هویت مستعار پژمان رضویانی به دفتر نمایندگی اش در ایلام مراجعه با ارائه چک جهت طرح دعوا و پیگیری راساً به شخص محمدی وکالت مدنی جهت ارجاع به وکلا وکالت اعطاء کرده است، محمدی نیز در مقام مدیرعامل به احدی از وکلای " خانم " همکار تحت قرارداد مؤسسه پرونده ارجاع می‌دهد وکیل مربوطه در اسفندماه ۱۳۹۶ بخشی از پول را می‌گیرد خلاف قرارداد پیگیری نمی‌کند در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۷ نیز مجدداً حق الوکاله به وی پرداخت می‌شود مجدداً بهانه آورده و پیگیری پرونده نیست با توجه به داشتن وکالت مدنی<sup>۱</sup> و ارجاع از طرف مؤسسه محمدی شخصاً طرح دعوا می‌کند در شورای حل اختلاف وکیل مربوطه علیرغم دفاعیات بلاوجه محکوم می‌شود:

<sup>۱</sup>. Civil Advocacy

99099/7 1399/05/25 98099 980/57	شماره دادنامه تاریخ تنظیم شماره پرونده شماره بایگانی شعبه	«فَلَا تُشْعِرُوا آلَهُوَيَ أَنْ تُغَيَّبُوا» شعبه شورای حل اختلاف شهرستان ایلام دادنامه	 دادگستری کل استان ایلام
پرونده کلاسه 9909971 شماره 98099 شعبه شورای حل اختلاف شهرستان ایلام تصمیم نهایی شماره حوایان: آقای فرزندان به نشانی استان تهران - شهرستان تهران خوانده: خانم فرزندان به نشانی استان ایلام خواسته: مطالبه وجه بابت ...			
گردشکار: خواهان دادخواستی به خواسته فوق بطرفیت خوانده بالا تقدیم داشته که پس از ارجاع به این شعبه وینت به کلاسه فوق و جری تشریفات قانونی در وقت فوق العاده/مقرر شورابه تصدی امضاء کننده زیر تشکیل است و با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و بشرح زیر مبادرت به صدور رای می نماید .			
رای شورا			
در خصوص دادخواست خواهان: بطرفیت خوانده: بخواسته مطالبه وجه به مبلغ 200/000/000 ریال به انضمام هزینه های دادرسی و خسارت تأخیر در تأدیه آن . به حکایت اوراق پرونده خواهان مدعی است که به استناد مدارک و مستندات ضم پرونده بشرح دادخواست تقدیمی به میزان خواسته از خوانده طلبکار می باشد که علیرغم مراجعات مکرر به نامبرده از پرداخت دین خود امتناع می نمایند. شورا با عنایت به ابلاغ واقعی اوراق اختاریه به خوانده و انتظار کافی نامبرده در جلسه رسیدگی حضور حاضر یافته و لایحه دفاعیه خود را ارائه نموده . علی هذا شورا با عنایت به مستندات موجود در پرونده خواسته خواهان را وارد و ثابت تشخیص داده و مستند به مواد 522-519-515-198 قانون آئین دادرسی مدنی حکم بر محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ 200/000/000 ریال بابت اصل خواسته به انضمام مبلغ 3/234/700 ریال بابت هزینه دادرسی و خسارت تأخیر در تأدیه بر اساس شاخص نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران باریخ 98/12/12 زمان تقدیم دادخواست لغایت زمان اجرای حکم در حق خواهان صادر و اعلام می نماید. رای صادره حضوری و ظرف 20 روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در محاکم عمومی حقوقی شهرستان ایلام می باشد.			
قاضی شعبه شورای حل اختلاف شهرستان ایلام			

#### ۸-۲- مرحله بدوی حقوقی<sup>۱</sup> (تجدیدنظر حل اختلاف و اعاده دادرسی)

خواهان می‌افزاید و کیل مربوطه با سردرگمی کامل تجدیدنظر خواهی می‌کند پرونده به یکی دیگر از شعبات حقوقی ایلام ارجاع می‌گردد در همان ابتدا "حسب مورد تفسیر به نفع خوانده و نفوذ کلام ایشان هم" در این پرونده برای خواهان محرز و مشخص می‌گردد:

- دفاعیات محرز و مسلم از خوانده- عدم پذیرش لایحه توسط قاضی<sup>۲</sup> - عدم استماع دفاعیات خواهان  
 پیش‌بینی نقض حکم محکومیت شورا در مورخ ۱۳۹۹/۷/۲۸ در لایحه تلویحاً صورت گرفته است؟

<sup>۱</sup>. The initial legal stage

<sup>۲</sup>. عدم پذیرش لایحه و مستندات توسط قاضی. تخلف عدم ثبت و ضبط لایحه به موجب بند ۳ ماده ۱۶ قانون نظارت بر رفتار قضات است.

ریاست محترم شعبه دادگاه عمومی و حقوقی ایلام  
سلام علیکم

احتراماً به استحضار عالی می‌رساند؛ اینجانب به عنوان خواهان در پرونده کلاسه ۵۷ و شماره پانگلی ۱۷ و آن شعبه به طرفیت خوانده دادخواست تقدیم شورای حل اختلاف ایلام نموده‌ام و جهت تجدید نظر خواهی بدان شعبه لراجاع شده است. نظر به لایحه های تقدیمی حضور شده است به مراتب لطفاً توجه فرمایید؛

با توجه به مراجعه حضوری (۲) باری که در مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۲۸ ساعت ۱۱:۳۰ و سپس ۱۳۳۰ به آن شعبه محترم داشته‌ام و لایحه بنده را آقای (معاونت محترم قضایی دادگاه دستور خم به پرونده صادر فرمودند و پس از آن در مراجعه دوم که داشتم با دفاعیات تلویحی مدیر دفتر محترم از خوانده مبنی بر اینکه باید نتیجه پرونده موکل موسسه بنده ( ) را دادگاه دره شهر خواهند خواست، اینکه هنوز ضرر از ناحیه خوانده متوجه شما نشده است و- (رسید پرونده پیوستی) مراتبی تقدیم می‌گردد؛

۱- سوال از قاضی محترم شعبه دادگاه عمومی و حقوقی ایلام؛ چطور می‌شود خاتم هنوز ادعا دارند در پرونده دادگاه دره شهر هنوز وکیل پرونده از طرف موسسه بنده است و رای صادر نشده است، اینجا بر علیه بنده و آقای دادخواست متقابل ضرر و زیان مطرح می‌کند؟

۲- سوال دیگری از قاضی محترم شعبه دادگاه عمومی و حقوقی ایلام دارم و خطاب به خوانده؛ سرکار خاتم چرا در شورای حل اختلاف به عنوان مرحله بدوی چنین ادعایی را مطرح نکردید؟

۳- سوال دیگری از قاضی محترم شعبه دادگاه عمومی و حقوقی ایلام دارم و خطاب به خوانده؛ سرکار خاتم مگر شما نبودید ادعا کردید در مرحله بدوی که تمام پرونده منی شوتنه مربوط به در داد عالی آقای است و قس اینش اظهار بر بی ادبه و تردد در این مرحله چسب ادعایی واهی را بروج می‌دهید؟ البته دفاعیات واهی از سوی خاتم قطعاً و یقیناً جای تنجب ندارد چرا که به عنوان وکیل قرارداد را براضتی نقض کردند این دفاعیات لایحه که مدیر دفتر محترم شعبه نیز مطرح کردند قطعاً از جانب ایشان بوده است نیز کاملاً محل تردد جدی است محکومیت خوانده مورد استدهاست.

---

<p>بسمه تعالی</p> <p>لایحه دریافتی تحت شماره ..... توسط ..... ثبت دفتر اندیکاتور و شهیمة پرونده گردید.</p> <p style="text-align: center;">سامانه خدمات الکترونیک قضایی</p>	<p>رفه خدمات؛ مبلغ؛ ۱۹۸,۳۶۱ ریال</p> <p>زینده اوراق؛ ۰ ریال</p> <p>جمع؛ ۱۹۸,۳۶۱ ریال</p>
--	--

گزارش خدمات الکترونیک قضایی

دفتر خدمات الکترونیک قضایی - شماره ۳۱

لایحه دریافتی ثبت گردید

شماره پرونده: ۱۳۹۷/۰۷/۲۸

شماره پانگلی: ۱۷

تاریخ ثبت: ۱۳۹۷/۰۷/۲۸

مبلغ: ۱۹۸,۳۶۱ ریال

بابت هزینه لایحه به شماره: ۱۳۹۷/۰۷/۲۸

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۷/۲۸

بالاخره خواهان مدعی است علیرغم تمامی مستندات و شهودی که ارائه کرده است عزمی در حوزه قضایی جهت محکومیت ایشان مشاهده نکرده است قاعده "حسب مورد تفسیر به نفع خوانده" ساری و جاری بوده در نهایت چنین شده و نقض شده است: سؤال و ابهامی که برای خواهان وجود دارد پاسخ داده نشده این است: مرجع تجدیدنظر صرفاً باید در حوزه تجدیدنظر خواهی شده اظهار نظر کند این ایراد را به هیچ وجه تجدیدنظر خواه وارد نکرده است؟؟؟

۱. ماده ۳۴۹ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۹۷: مرجع تجدیدنظر فقط به آنچه که مورد تجدیدنظر خواهی است و در مرحله نخستین مورد حکم قرار گرفته رسیدگی می‌نماید. ایراد بند (۱۰) ماده ۸۴ را به هیچ وجه تجدیدنظر خواه نگرفته است.

شماره پرونده : 990997 تاریخ تنظیم : 1399/07/30 شماره پرونده : 980998 شماره بنگانی شعبه : 7		«بلا تلمیذا الهوی ان نعلوا» شعبه دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ایلام دادنامه		
پرونده کلاسه : 990997 آقای : آقای سعید : تجدیدنظر خوانسته : مطالبه وجه بابت ...		شعبه : 980998 دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ایلام تصمیم نهایی شماره : به نشانی استان ایلام - شهرستان مهران به نشانی استان ایلام		دانشگاه سراسری قلم استان ایلام
رای دادگاه				
در خصوص تجدیدنظرخواهی فرزند 3- نسبت به دادنامه شماره 990997 صادره از شعبه اول شورای حل اختلاف ایلام که به موجب آن حکم بر محکومیت تجدیدنظرخواه به پرداخت مبلغ 200,000,000 ریال بابت اصل خواسته و نیز پرداخت هزینه دادرسی و خسارت تأخیر تأدیه صادر شده است. نظر به اینکه اولاً با ملاحظه مندرجات درخواست تقدیمی و لوایح تقدیمی از سوی خواهان و قرارداد ابرازی از ناحیه خواهان بدوی (تجدیدنظر خواننده) ، مضبوط در صفحات 10 و 11 پرونده ، رابطه حقوقی و قراردادی بین موسسه عدالت و تجدیدنظرخواه (خواننده بدوی) معرز است. ثانیاً موسسه عدالت حسب اوراق مضبوط در صفحات 37 و 38 پرونده ، تحت شماره 8 و 5 و با شناسه ملی 46 1400 اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ثبت گردیده لذا موسسه مذکور مطابق ماده 584 و 588 از قانون تجارت دارای شخصیت حقوقی مستقل از اعضا و مدیران بوده و به جهت این شخصیت حقوقی ، دارای حقوق و تکالیفی است که توسط مدیران استیفا و اجرا می گردد. بنابراین با عنایت به قرارداد فوق و نیز وجود شخصیت مستقل برای موسسه ، ذینفع قرارداد و خسارت ناشی از نقض تعهدات موسسه موصوف است . ثالثاً مستنداً از مواد 2 ، 31 ، 33 ، 34 ، 35 ، 53 ، 84 بند 5) ، 85 از قانون آیین دادرسی مدنی ، اشخاص مجاز در اقامه دعوا از طرف اصیل احصا گردیده و اشخاص مذکور عبارتند از : وکلای دادگستری ، وکیل اتفاقی ، نماینده حقوقی اشخاص حقوقی مندرج در ماده 32 از قانون فوق ، و نمایندگان قانونی شامل ولی ، قیم و قائم مقام وارث ، منتقل الیه - مدیرعامل ، مدیر تصفیه و ... . ثانیاً اشخاصی اخیرالذکر (نماینده قانونی به معنای عام) در صورت اقدام به طرح دعوا به نمایندگی از اصیل ، بایستی نام اصیل را در ستون خواهان و نام و سمت خویش را در ستون مربوطه قید نمایند ؛ زیرا ستون اول درخواست مختص اصیل و ذینفع است و چنانچه نماینده قانونی نام خویش را در ستون خواهان درج نماید ، به منزله اظهار ذینفعی خویش و طرح دعوا به عنوان اصیل است . نظر به مراتب فوق دادگاه خواهان بدوی را در طرح دعوا ذینفع دانسته و ضمن نقض دادنامه تجدیدنظرخواسته مستند به ماده 89 داخل بر بند 10 از ماده 84 از قانون آیین دادرسی مدنی و نیز ماده 27 از قانون شوراهای حل اختلاف و نیز ماده 358 از قانون آیین دادرسی مدنی ، قرار رد دعوی خواهان بدوی را صادر و اعلام می نماید . رای صادره قطعی است .				
دادرش شعبه دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ایلام				

وکیل مربوطه مجدداً با اقدامی که از سوی خواهان صورت می پذیرد پاسخ اظهارنامه را می دهد و به صراحت اعلام می کند پرونده از طرف خودت بوده ربطی به مؤسسه ندارد این یعنی نقض و اعاده دادرسی رأی صادره از سوی این شعبه حقوقی ولی شعبه همچنان معتقد به تفسیر به نفع خواننده "حسب مورد" است:

با توجه به عدم ایراد خواننده در تجدید نظر خواهی وفق ماده (۸۲) (مخصوص بندها ۱۰) ماده ۸۲ مورد اشاره دادنامه قطعی محسوب هر چند به استناد ماده ۲۲۹ لایحه صرفاً رسیدگی باید در آن جهت باشد ولی چنین نبوده است و حتی بر فرض محال صحت ادعای تجدید نظر خواهی خواننده در این خصوص براساس اظهارنامه ارسالی این امر را نقض کرده است و ایراد وارد در دادنامه عملاً نقض شده است بنده به عنوان اصیل و ذینفع شخص حقیقی متصرف شده است به استناد وکالتنامه محضری شماره ۲۲۱۵۳ مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۲ نزد سردفتر اسناد رسمی شماره ۲۲ ایلام (بلاغت و نامحدود) به عنوان وکیل قانونی موکل ، خواننده بابت اعمال کاری های متعدد و عدم بهگیری عدم انجام نامین خوانسته مستند به سند رسمی به بهای های واقعی غیرقیم اخذ حق الوکاله (عمل نکرده است) عملاً بابت ضرر و زیان شده است. چنانکه خوانشان بدین لحظه متصرفند با توجه به تضامنت متدبیرش، در اجرای ماده ۲۰۲ لایحه قرار محسوب می شود این یعنی نقض دادنامه قطعی و ناپدید دادنامه شورای حل اختلاف لذا ضمن اعاده دادرسی درخواست صدور حکمیهت دارد.

«فلا تظنوا انهم ان تغلوا» شعبه دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ایلام دادنامه		 دادگستری کل استان ایلام
شماره دادنامه : 990997 تاریخ تنظیم : 1399/08/27 شماره پرونده : 980998 شماره بنگالی شعبه : 7		
پرونده کلاس : 990999 شعبه 980998 دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ایلام تصمیم نهایی شماره		
خاتم : فرزند به نشانی استان ایلام آقای : فرزند به نشانی استان تهران خواسته: مطالبه وجه بابت ...		
رای دادگاه		
در خصوص درخواست اعاده دادرسی به دادنامه شماره 9909970 صادره از شعبه دادگاه حقوقی ایلام. نظر به اینکه اولاً دادنامه موصوف متضمن صدور قرار رد دعوای خواهان بدوی است. ثانياً مطابق ماده 426 از قانون آیین دادرسی مدنی، اعاده دادرسی عادی صرفاً نسبت به احکام قابل پذیرش است. نظر به مراتب فوق دادگاه مستند به ماده 426 از قانون فوق، قرار رد درخواست اعاده دادرسی را صادر و اعلام می نماید. قرار صادره قطعی است.		
دادرسی شعبه دادگاه حقوقی شهرستان ایلام		

### ۸-۳- مرحله بدوی شخص حقوقی

خواهان این بار از طرف مؤسسه دادخواست به یکی دیگر از شعب بدوی حقوقی ایلام تقدیم می کند همان رویه سابق " امتداد تفسیر به نفع خواننده با توجه به نفوذ کلام حسب مورد " جاری و ساری است؟

سؤال: چرا سه بار رفع نقص و دو بار جلسه رسیدگی و سپس رأی خلاف واقع صادر شده است؟

Archive of

شماره پرونده: ۹۹۰۹۹		سازمان خدمات الکترونیک قضایی		پیوست: ۱ برگ
<b>لایحه خدمات قضایی</b>				
شماره پرونده:	نام خانوادگی:	نام پدر:		
موضوع لایحه:	۱. لایحه دفاعیه			
متن لایحه:	۱. سایر مدارک به شماره - مورخ			
(خوانندگی)				
دانشجوی محترم شعبه دادگاه عمومی و حقوقی ایلام با سلام و احترام				
<p>بسیار متأسفانه رفع نفی پرونده پس از دوامین جلسه رسیدگی به شماره لایحه ۷۹۲ در پرونده کلاسه ۹۹۱ در پرونده کلاسه ۳۱ کلاسه با بگفتی: ۹۹</p> <p>مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۰ (موسسه عدالت) مراتب رفع نفی تفکیکی خدمت شما عرض می گردد:</p> <p>- مطالبه طلب مبلغ ۴۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال (معادل چهار و نیم میلیون تومان):</p> <p>•• هزینه دادرسی آن جمعا ۱۱۲۵۰۰۰۰ ریال می باشد.</p> <p>- هزینه خسارت ناشی از قرارداد همکاری - مبلغ ۴۵۰۰۰۰۰۰۰۰ (معادل بیست و پنج میلیون تومان):</p> <p>•••• هزینه دادرسی آن جمعا ۸۷۵۰۰۰۰۰ ریال می باشد.</p> <p>••••• در نتیجه جمع کل این دو خواسته تفکیکی مجموعاً ۹۸۷۵۰۰۰۰ ریال (معادل نصد و هشتاد و هفت هزار پانصد تومان) می شود</p> <p>دادخواست تقدیمی به ۳۰۰ میلیون ریال (معادل سی میلیون تومان) مقوم شده است هزینه ای دادرسی پرداختی برای آن ۱۰۱۵۰۰۰۰۰۰ ریال (معادل یک میلیارد و پنجاه هزار تومان) بوده است ، دقیقاً مبلغ ۶۲۵۰۰۰۰ ریال بیشتر هزینه دادرسی پرداخت شده است .</p> <p style="text-align: right;">نماینده قانونی موسسه عدالت</p>				

بالاخره حسب مدارک و مستندات خواهان مجدداً عزمی جهت محکومیت خواننده در این شعبه هم دیده نشده است و این امر در لوائح خواهان که تذکر داده است کاملاً مشهود است:

مضمات	۱. فتوایی سایر مدارک به شماره ۰ مورخ
<p>ریاست محترم شعبه دادگاه عمومی و حقوقی ایلام  سلام علیکم؛ احتراماً پرونده لایح با کد رهگیری: ۵۴ - ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ و بلاخره لایحه تکمیلی بعد مراجعه حضوری خدمت شما ارائه توضیحات با کد رهگیری: ۲۵۰ - ۱۳۹۹ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۶ که مجدداً مراتب قبلاً حضوری خدمت شای عرض گردید توضیحات تکمیلی را خدمت شما عرض است؛  الف؛ در ارائه توضیحاتی فعلی که حضوراً خدمت شما عرض شد در اجرای ماده ۲۷۱ ق آدام (واکه، مانده، تانگه) تملکی مراتب مطروحه کاملاً صادقانه طرح شده است و خدایی ناخواسته هیچ گونه اجدیدی در حق خواننده بر خلاف عدالت و وجدان نشده است، عین اتصالات اتصاده و توقیقات بوده است.  ۱- مطالبه طلب بابت پول پرداختی موکل فعلی بوده است که از موسسه آن مطالبه می نماید  ۲- ضرر و زیان ناشی از قرار داد نیز بابت این است که توفیق شده تملکی دیر کرد و خسارت قانونی که بابت چک از محکوم علیه محکوم به اخذ در آن قالب گردید به موسسه تعلق گیرد و موکل فقط اصل پول را برداشت کند متأسفانه چنین نشد  ب؛ در اجرای ماده ۲۰۲ قانون آیین دادرسی مدنی نظر به لغز خواننده و بدقریش تمام مسئولیت و اینکه به قیود داد نیز تا جلسه اول دادرسی ایرادی وارد نگردد است محکومیت نامبرنده مورد استعداست.  ۳- در صورت صلاحدید احضار شهود بنده به  و دیگر شهود مورد استعداست  ۴- به اعتراضات  تذکره فرمایید خواننده به مراجعت به وی گفته است ۲ میلیون تومان به بنده داده است کم است و بیگیری نمی کند (افصاوت با شهادت حتی پرونده نبرعا باشد باید جنس بر خورد کند).</p>	
<p>نیز باین امید است در راستای احقاق حق بر اساس مستندات و دلایل و تقاضای خواننده و تحولات مستندسازی شده ایشان محکومیت مورد استعداست چنین غلطی وجود داشته باشد فقط تنها خواست موسسه این است که بر اساس توقیقات و مدارک و مستندات و دلایل رای صادر شود و به اعتراضات معزز خواننده نیز توجه شوند ایشان عظیم برائی محکومیت ایشان در حوزه قضایی بر اساس دلایل و مستندات وجود داشته باشد.</p>	
نماینده قانونی	عدالت

مراتب از سوی خواهان قبل صدور رأی ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ به مراجع نظارتی منعکس شده است:

شماره پیگیری	۵۳	۳۹۷
زمان ثبت	۱۱:۴۵ - ۱۳۹۹/۱۱/۰۳	
<b>اطلاعات درخواست</b>		
نوع درخواست	گزارش	مسئول محترم سایت نمادین موسوع اعلام گزارش در مجموعه دادگستری کل استان باسلام ، احتراماً به استحضار می رساند پیرو گزارش های شماره ۳۳ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۰۳ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۰۳ در و...در مجموعه دادگستری کل استان تحت تصدی خصوص چندین پرونده مراتب تخلفات متروک سبب به مجموعه حفاظت اطلاعات دادگستری استان و ایشان منعکس شده است( ۷ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۴) ولی طریق گونه اقدام ملموسی صورت نگرفته است ، در جدیدترین اقدامات دادرسی شعبه دادگاه حقوقی ایلام به صراحت نمی خواهند علیرغم وجود مستندات و حتی افرا بر خانم وکیل به هویت ایشان را محکوم کنند ؟ ۱- چرا وقت رسیدگی گذشته است رای را صادر نمی کند و تلفنی بنده را احضار می کند ؟ ۲- چه رابطه ای در مجموعه دادگستری کل استان دارد که در شصت نه حقوقی و حقوقی نمی خواهند ایشان را محکوم کنند ؟ مراتب طی لایحه شماره ۳۰۳ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۱ در پرونده کلامه ۳۱: ۹۹۰۹ شماره بایگانی : (بایگام اینکه به تاحق تامین خواسته را نیز رد کرده است ) به وی تذکر داده شده است فلذا این مرجوعه الکترونیکی نیز ارسال می شود اگر پرونده رد شد بعدا بدان استناد کنم ، تا خلع سلاح شوند و اگر رد کردند بهانه نداشته باشند بگویند چونکه دعوی شما را رد کرده است چنین اعتراضی را به قضات ما نسبت می دهید .مراتب قبل از اسلام رای در این سامانه بارگذاری می شود ، بعدا بدان استناد خواهد شد . با تجدید احترام فایل پیوسته دارد نوع گزارش ۱- پیش از وقوع

بالاخره باینکه وکیل ۳۷ روز قبل دادنامه تعهد داده خانم وکیل عزل شده بود (ابلاغ اظهارنامه) برای فرار از محکومیت بدون سمت پرونده را پیگیری کرده اما خلاف واقعیت حکم بر بی حقی صادر کرده است؟





دلائل و منضات	۱- اظهارنامه عزل وکیل ۳۷ روز قبل از صدور دادنامه به شماره ۰ مورخ ۲- مدرک نمایندگی به شماره ۰ مورخ ۰ ۳- اساسنامه به شماره ۰ مورخ
<p>بسم الله الرحمن الرحيم</p> <p>در حوزه قضایی شهرستان ایلام وفق مستندات و تعارضات عرضی جهت محکومیت خواننده وجود نداشت (</p> <p>ریاست دادگاههای تجدید نظر استان ایلام</p> <p>سلام عزیزم! در تجدید نظر خواهی به دانشنامه شماره ۲۴۸ مورخ ۱۳۹۹-۱۲-۲۵ در پرونده کلاسه ۳۱ ۹۹۰ مورخ ۱۳۹۹-۱۲-۲۵ در پرونده کلاسه ۳۱ ۹۹۰ با کلاسه بایشی ۱ ۹۹۰ مورانی</p> <p>ساده عرض می شود:</p> <p>۱- وفق لوابیح ارسالی مورخین ۱۳۹۹-۱۱-۲۶ به شماره رهگیری ۱۳۵۰ مورخ ۱۳۹۹-۱۲-۹ و ۱۳۹۹-۱۲-۲۸ با شماره ۲۸ مورخ ۱۳۹۹ نتیجه موصوف کاندلا قابل پیش بینی بود، بارها خواسته شد با توجه به تعارض محرز و مسلم و مستندات رسیدگی شود که نشد نظر به قاعده "تفسیر به نفع خواننده" به ناسی از قاعده دراه در حقوق کبهری متناقضه حکم بر به حلی صادر شد. (لایحه اعلام)</p> <p>۲- خواننده به عنوان وکیل پایه یک دادگستری مدت ۲۰۵ سال پرونده را پیگیری نکرده است به شرح ذیل اقدام شده چطور تفسیرش برای احراز نشده است! (۳۷ روز قبل از صدور این دادنامه عزل شده است چطور بدون سمت رای گرفته است !!!)</p> <p>۳۳ طی اظهار نامه ۹۸ مورخ ۱۳۹۹ مورخ ۱۳۹۹-۸-۱۱ خانم عزل شده است چطور "بدون سمت" در پرونده ۵ ۹۷ دانشنامه مورخ ۱۳۹۹-۹-۱۷ دره شهر (۳۶) روز بعد نتیجه تلاش اوست !!!</p> <p>(مراتب در پرونده استنادی عزل وکیل بوده چرا دادرسی شعبه ششم توجیهی نکرده است !!!)</p> <p>۳۳۳ وفق استدلال که به پرونده شعبه حقوقی استناد شده در ماده دادرسی آن به صراحت در ۱۳۹۹-۸-۱۸ تصریح شده "عزل شده اند" دادگاه چرا نخواست توجیه داشته باشد - (تصویر پیوست است) !!!</p> <p>(خواننده از برقرار اطلاع کامل داشته بدون سمت صرفاً جهت فرار از محکومیت پیگیری کرده !!!)</p> <p>۳۳۳۳ جلب تم طی اظهار نامه شماره ۶۱ مورخ ۱۳۹۹ مورخ ۱۳۹۹-۸-۱۴ به اظهار نامه پاسخ داده می دانسته که عزل شده و سمت ندارد، اگر گتمان نکند! (تصویر پیوست است) !!!</p>	

### ۹- رویکردهای تطبیقی و تعارضات رسیدگی (۲) حوزه قضایی

- با دقت در جریان و مستندات پرونده های کلاسه فرضی (۲۸۷ الف) حوزه قضایی تهران و (۵۱۴ الف) حوزه قضایی ایلام به صراحت چرخش ها و هر گونه تفسیر به اسم علم قاضی را می بینیم این در حالی است که از همان ابتدا اعلام می کردند از سوی مؤسسه است، پذیرش اعسار و بالتبع رسیدگی بعدی وجود نداشت؟
- با دقت در روند هر سه پرونده تشریح شده می بینیم که دلائل و مستندات آن چنان در تعیین تکلیف پرونده ها نقش ندارند<sup>۱</sup> به صراحت نتایج پرونده ها از همان ابتدا با توجه به روند مشخص است؟
- به عنوان مثال در پرونده کلاسه (۵۱۴ الف) حوزه قضایی ایلام به صراحت تفکیک خواسته ها تشریح شده است ولی بنا به دلائل فراقانونی<sup>۲</sup> که خارج از مقاله تحقیقاتی است عیناً قضیه رد می شود؟
- عملاً در رویه های موجود می بینیم که نقش نفوذ کلامی خوانندگان در پرونده ها بر اساس قاعده جدید "تفسیر به نفع خواننده" حتی از تفسیر به نفع متهم در حقوق کیفری پیشی گرفته است؟

<sup>۱</sup> نگاهی کنید به سخنان رهبر معظم انقلاب: اما بنای قاضی در انشاء حکم و رعایت قانون و استدلال در حکم که ذهن او را به این حکم رسانده است باید به قدری متین باشد که هر کس حکم را دید، در دل تصدیق کند که درست است؛ هر چه عقل و سواد انسان بیشتر باشد، بیشتر تصدیق کند. بیانات در دیدار

رئیس و مسئولان قوه قضائیه ۱۳۸۰/۴/۷ جهت دسترسی به مطلب رجوع شود به: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45934>

<sup>۲</sup> به نقل از رهبر انقلاب: گسترش عدل و احیاء حقوق عامه و آزادیهای مشروع و نظارت بر اعمال قانون را که در شمار هدفهای قوه قضائیه در قانون اساسی است در رأس برنامه ها قرار دهید. این موجب اعتماد مردم و دلگرمی آنان به قوه قضائیه در حوادث و منازعات خواهد شد. در انتصاب حجت الاسلام والمسلمین سیدابراهیم رئیسی به ریاست قوه قضائیه ۱۳۹۷/۱۲/۱۶ قابل دسترسی در سایت: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45934>

- با دقت در رویه پرونده‌ها می‌بینیم که عملاً اشکالات شکلی که در مادتين (۲) و بند (۱۰) ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی در امور مدنی گرفته شده است صرفاً در راستای "تفسیر به نفع خوانده" و رسیدن به اهداف والای فوق عدالت ظاهری است چرا که در رسیدگی‌ها عدالت عارضی بوده منبع غیر داشته است؟
- به صراحت می‌بینیم با تفکیک‌های غلطی که در رویه به وجود آورده‌اند قانون عملاً نقشی که باید داشته باشد ندارد و همانند شعبه تجدیدنظر تهران به راحتی رسماً عدول می‌شود؟
- با دقت در رویه‌های موجود پرونده‌ها می‌بینیم عملاً نظارت<sup>۱</sup> به اسم استقلال و علم قاضی تعطیل است؟
- بالاخره دلایل و مستندات بسیاری خارج موضوع مقاله تحقیقاتی و علمی پژوهشی در این سطح است؟

### ۱۰- نتیجه‌گیری

هدف اصلی از قضاوت اسلامی، گسترش عدل، احقاق حق و رفع تجاوز است و به تعبیر روایات احیاء و تزکیه ارض است. قضاوت بالاصالة و ذاتاً حق خداوند است. به همین خاطر منصب قضاء که از اعظم مناصب، با توجه به روایات در این باب باید به اهلهش واگذار شود. در منابع اسلامی در خصوص قاضی آمده است:

- در صورت اشتباه، بر اشتباه خود اصرار نوزد و جانب حق را بگیرد؛

- در موارد شبهه تا کشف حقیقت درنگ و تأمل نماید؛

- در صدور احکام متکی به دلایل قطعی باشد؛ ... اما متأسفانه برخی از اقداماتی که در رویه می‌بینیم، مطابق هیچ‌یک از استانداردهای عرفی، قانونی، منطقی و در برخی مواقع واقعاً عقلایی نیست، امید است چنین آسیب‌شناسی‌هایی گسترش بیابد و به روند تحولی قوه قضاییه کمک شایان توجهی نماید.

### ۱۱- منابع و مآخذ

۱. اکرمی، زهرا (۱۳۹۵)؛ ماهیت وفای به عهد در فقه و حقوق؛ فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دوره چهارم و نهم، شماره اول، بهار و تابستان.
۲. پاینده، آرزو و تیژده، حمزه، ۱۳۹۶، ماهیت حقوقی علم قاضی در ادله اثبات دعوی، مجموعه مقالات چاپ شده در همایش بین‌المللی حقوق و فقه اسلامی، تهران،، <https://civilica.com/doc/۷۵۰۲۹۸>
۳. پور استاد مجید و دیگران (۱۳۹۰)؛ مالکیت خواهان بر دعوی مدنی؛ فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی آزاد، دوره چهارم، شماره چهاردهم، شماره پیاپی چهاردهم، زمستان
۴. حر عاملی، شیخ محمد بن حسن (۱۴۰۱ ه ق)، وسایل الشیعه، مکتب الاسلامیه.
۵. شریفی، هادی و دیگران (۱۳۹۲)؛ رابطه علم دادرسی با دلایل قانونی اثبات دعوی مدنی؛ فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و نظام بین‌الملل؛ دوره و شماره: دوره ششم، شماره نوزدهم، تابستان
۶. شیخ کلینی (۱۳۶۵)؛ کافی؛ دارالکتب الاسلامیه، جلد هفتم، تهران.
۷. صفوی، سیدنوید و دهقان، ناصر و سلیمان، ابوالفضل، ۱۳۹۴، بررسی کاربرد اصل لزوم در حقوق موضوعه ایران، نخستین کنگره بین‌المللی جامع حقوق،، <https://civilica.com/doc/۵۰۲۹۳۶>
۸. محبی مقدم، فاطمه، ۱۳۹۹، ضرورت و آثار وفای به عهد در جامعه از دیدگاه اسلام، پنجمین کنفرانس ملی نقش مدیریت در چشم انداز ۱۴۰۴، رشت،، <https://civilica.com/doc/۱۱۵۲۴۴۸>

۱. نگاه کنید به سخنان رهبر انقلاب: اگر یک قاضی کاری که از معیارها خارج است، انجام داد، در هر شرایطی که هست، باید به مجازات برسد. به نظر من، اگر این کار نشود، دستگاه قضایی درست نخواهد شد. دادستان و یا حاکم شرعی که به خاطر تخلف، آنجا کتک را می‌خورد، بعد که پشت آن مسند قضا نشست، خواهد گفت ببینید، مسأله قوه قضاییه این است؛ من حتی فاسد شدم، با من این کار را کردند. بنابراین، خودش دیگر اشتباه نخواهد کرد. این، انتقام و نعمت الهی است. او دیگر جرأت نمی‌کند علی‌الظاهر تخلف نماید؛ مگر آدمهای واقعا مریض که تخلف میکنند. با اعمال این قاطعیت، دیگران هم خواهند گفت که ببینید، قوه‌ی قضاییه این است و چنین متخلفانی را خودش مجازات میکند. [mshgh.ir/836624](http://mshgh.ir/836624)

۹. محمد رضی، ابوالحسن (۱۳۶۵): ترجمه و شرح نهج البلاغه؛ ترجمه: فیض الاسلام اصفهانی، علینقی، چاپخانه سپهر، تهران (نسخه الکترونیکی)
۱۰. محمدی گیلانی، محمد (۱۳۸۷)؛ قضا و قضاوت در اسلام؛ چاپ اول، انتشارات نشر سایه، تهران.
۱۱. مقتدایی، مرتضی (۱۳۷۶)؛ قضاوت در اسلام؛ چاپ اول، بی نا، تهران (نسخه الکترونیک)
۱۲. موسوی بجنوردی، سیدمحمد و دیگران (۱۳۹۰)؛ شاخصه‌های عدالت قضایی از منظر امیر المؤمنین علی (ع) با رویکردی برآرای امام خمینی (س)؛ پژوهشنامه متین امام خمینی و انقلاب اسلامی، دوره ۱۴، شماره ۵۴، شماره پیاپی ۵۴، بهار
۱۳. مهدی امین، مهدی (۱۳۸۷)؛ اصل لزوم قراردادها در فقه و قانون مدنی ایران؛ فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، شماره چهل و چهارم و چهل و پنجم